شانه

هو الله تعالی

حسب الفرمایش عمدة الأمراء
العظام و زبدة الخوانین
الکرام آقا میرزا بلوان محمد
حسن خان الجیسی دام اقباله
بسعی و اهتمام عالیجناب سیادت
انتساب آقا سید کاظم کتاب
فروش نیز توفیقه در کارخانه استاد
الماهر آقا میرزا علی اصغر [illegible]
بزیور طبع آراسته شد
فی شهر شعبان
۱۳۲۲

هذه الوجيزة في نوع الخاصة للعالم العامل الفاضل الكامل الشيخ حسن الرشتي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله القادر المقتدر الخبير الولي العالم السميع البصير
خالق كل شيء وموجدهم لا من شيء الذي ابتدأ في الايجاد بالنبي
محمد وآله صلى الله عليهم وخلق مما خلق ملكا ورعية لاجلهم
وجعلهم هياكل التوحيد والتمجيد واركانا في التوحيد والتمجيد
وصورا منزهة لذاته ومرايا لجماله وجلاله ومظاهر الربوبيته
وكماله وعند ما بلغ منه فيهم الامر كذلك واظهر سبحانه قدرته
فقدرته منهم هنالك امر بتصوير آدم عليه السلام على صورتهم
ليعلو بالشرف على غيرهم وتكون الصورة لباس عبوديتهم
لخدمتهم وفيها ظهورهم وهم المصطفون بعلم الله انوار الله
المشرقون

المشرقون على تمام خلق الله والمخصوصون في صفات فعل الله
عباد الله المكرمون وامره بين الكاف والنون لا يسبقونه
بالقول وهم بامره يعملون ثم الحمد لله الذي اطلعهم على كل شيء
واشهدهم خلقه في كل شيء واذل لهم كل شيء وجعلهم محال مشيته
ووسائط لايصال خيراته ووسيلة لانتفاع بانعمه وبركاته و
جعل ذريتهم امانا لاهل الارض كما جعل النجوم امانا لاهل
سمائه ومبرانا في تمام خلقه ليقبل بهم كل طاعة ويثيب
بهم كل عبادة ويرد بهم كل شر ويعاقب بهم كل معصية
فالجنة لمن اطاعهم والنار لمن عصاهم او عصى احدهم فهم
الطيبون والطيبات لهم ومنهم صلى الله عدد ما احاط به
علمه متصلا عليهم اجمعين ابد الابدين اما بعد جناب
مستطاب فاضل عارف كامل آقا سيد رضاى كربلائى سلمه الله
جواب سؤالى را كه مینگارد بطور ايجاز وقبول از اين اثيم
خواهش نمود پس اينك اين رشتى راجى عفو ربه اقل همه
موس

مؤمنین از انام شیخ حسن شیخ الاسلام بین [illegible] بر سؤال
در جواب میگوید و اسم آن کتاب را ابراد گذاشته تا انشاء الله
بهره برده از مطالب آن را بعلیین رسانده باشد سؤال
چگونه میتوان اعتقاد نبوت خاصه پیغمبر ما صلی الله علیه
و آله را ثابت کرد بطوری که خصم را حرفی نبوده باشد و عقول
تمام مخاصمین را قبول افتد جواب مشتمل بر سه فصل است
بقیات از مراتب در نبوت و امامت فصل اول بالفعل
تمام ملل و مردم روی زمین از هر مذهبی همه شریک
هستند در اقرار بوجود صانع و همچنین همه شریک
هستند در اقرار بحکمت صانع و همچنین همه خواهند
گفتن احد معنی حکمت فعل عبث نکردنست [illegible]
خلقت خلق جمیع لازم و آن جمعه همه گویند [illegible]
وطاعت و عبادتست که ارواح عالمند تا با نبیا احکام
از اهالی ملل و مذاهب روی زمین مخالفتی ندارد
و حکم

خداوند در انس و جن بر روی زمین قرار داده است و حول
و قوه را در هر یک مثل امانت گذاشته است تا حرکت هر یک
بحول و قوه الهی بخصوصیات منسوب بخود باشد که اگر فعل
او در موافق آن با امر الهی شود حول و قوه الهیرا در محل آن
صرف نموده و روی براه اجر و ثواب آن رفته و اگر بر خلاف
آن در نهی الهی شود حول و قوه الهیرا تضییع نموده [illegible]
داده با این وصف لابد بود از نشان دادن روی براه عقوبت آن
رفته باشد که آمدن بی اختیار در دنیا دلیل فعل اختیار
با ما نبا از هر یک بی زمان عمر دنیا است و صدق انبیا
و رسل و اوصیا و اولیا صلی الله علیهم بتمام تکلیف
در تمام آنچه فرموده اند از توحید تا آخر معاد و تقلید که
تکلیف مبین عدم تفویض است و قدرت خلاف تکلیف
مبین عدم جبر واضح است معصوم بودن هر یک بر دی

زمین است وهویدا است که آب و باد و خاک و آتش جماد
هستند و طبیعت هر شیء بعد از حصول تکوین آن شیء حاصل
شود و عالم بالتمام در تجزیه جزء جزء جدا شده که هیچ نمانده
و هیچ نفهمند و منافات دلیل اند به وجوب وجود او جل
و علا و احتیاج و فقر تمام در ترکیب و حد و نقطه و حرکت
و سکون و همچنین دلیل اند بر تنزیه و غناء او و خود
او است سبحانه آنکه شناخته بالذات هیچ وجه نمیشود
پس وحده لا شریک له قادر عالم سمیع بصیر بالذات منزه از تمام
اشیاء و از تمام صفات بلا شبه و بلا شبیه است مثل و مثال
و مثیل و نظیر هیچ ندارد که شناخته شده باید هیچ شناخته
بالذات نمیشود خلق و ترکیب کننده و طبیعت دهنده
و اثر گذارنده و غایه و عایه دارنده او است لا شریک له
تکلیف از تمام ابناء آدم مادامیکه بر روی زمین هستند
خواسته است علی هذا مدار عالم را بر حسب اقرار همه دین

در ایمان و علم و معرفت و طاعت و عبادت بموجب التزام
و ملزوم قیام داشته باشند تا عالم با رواج خود حتی حد اثر باشد
که بعضی استماعها از برای بودن زمین است و معلوم است
در فقدان حصول ضیا از روی زمین عالم را باید خداوند بخراب
فرموده باشند تا لغو جهت و عبث عالم بر پا نباشد و حال آنکه
معلوم است تمام روی زمین همه کافر اند الا قلیل و آن
قلیل و اهل ملت و مذهبی مدعی اند مائیم و آن هر کدام
که باشد غالبا دین تقلید آبا و اجداد است چنانچه ملاحظه
میشود کثرت عوام هر ملتی و همه اقرار دارند که هر ملتی
چند عالمی که پیدا شوند معرفت و علم و طاعت و عبادت
ملکه تعصبی ندارند و هر یک از علما خود را اصل
در معرفت و علم و طاعت و عبادت به درس و اکتساب
و اخذ و قبول و تحقیق حق غیر ... کذا بی شبه تقلید
از بزرگان دین خود اخذ و تعلیم کرده و همچنین از هر یک

زمین است و هویدا است که آب و باد و خاک و آتش جماد
هستند و طبیعت هر شیء بعد از حصول و تکوین آن شیء حاصل
شود و عالم بالتمام در تجزیه جزء جزء جدا شد که هیچ نماند
و هیچ نفهمند و تمام آثار دلیل اند بر وجوب وجود او جل
و علا و احتیاج و فقر تمام در ترکیب و حد و رنگ و حرکت
و سکون و همچنین دلیل اند بر تنزیه و استغناء او وجود
او است سبحانه آنکه شناخته بالذات هیچ وجه نمیشود
پس وحده لا شریک له قادر عالم سمیع بصیر بالذات منزه از تمام
اشیاء و از تمام صفات بلا شبه و بلا شبیه است مثل و مثال
و شبیه و نظیر هیچ ندارد که شناخته شد اما هیچ شناخته
بالذات نمیشود خلق و ترکیب کننده و طبیعت دهنده
و اثر گذارنده و غایت و عاقبت دارنده او است لا شریک له
مکلف از تمام ابناء آدم تا دامی که بر روی زمین هستند
خواسته است علی هذا دوار عالم را بر حسب اقرار همه در دین

هم لازم میباید

صفحه ۱۰

در ایمان و علم و معرفت و طاعت و عبادت بموجب الزام
و ملزوم قیام داشته باشند تا عالم باز داح خود حق عدالت باشد
که بعضی اسم‌ها از برای بودن زمین است و معلوم است
در فقدان حصول از دعوی زمین عالم را باید خداوند بیجا
فرموده باشند تا لچ جهت و عبث عالم برپا باشد و حال آنکه
معلوم است تمام دعوی زمین همه کافرند الا قلیل و آن
قلیل را هر ملت و مذهبی مدعی اند تا ایشم و آن هر کدام
که باشد علما دین تقلید آبا و اجداد است چنانچه ملاحظه
میشود که اکثر عوام هر ملتی و همه اقرار دارند که هر ملتی
چند عالمی که پیدا شوند معرفت و علم و طاعت و عبادت
مکفیه و عصمتی ندارند و همه بنا در علم خود را اصل
در معرفت و علم و طاعت و عبادت بدرس و اکتساب
را خذ د قبول و تحقیق حتی عقیدت کذا بی شبه تقلید
از بزرگان دین خود اخذ و تعلیم کرده و همچنین از هر ملت

۲ نظایر و ادله بعضی بعضی که تمام معرفت و علم و طاعت و عبادت نم

اوست مطوع خدا چون خداوند او را تنها بر روی زمین
نگاه داشته است عالم بجهة وجود مبارک او بر پا داشته
مخبر را بواسطه او از برای او نازل میکرداند باقی خلق
طفیلی بسبب وجود مبارک او باشند تا ابتدا داده شوند
مدد سکاری از برای تابع او باشد و چنین وجودی لازم
است بالاتفاق میگویند پیغمبر مبلغ عام و بادصی پیغمبر مبلغ
عام که همه علم و معرفت و طاعت و عبادت تمام خبر زیاده
از کتاب تربیت همه تمام عالم بالتمام خود شریک باید باشد
تا کفایت بقاء عامه خلق کند و عالم در ارواح خود حق
مستقر باشد و بغیر از این ممکن نباشد چنانچه اول خلق
بشر که بر روی زمین حضرت آدم ابو البشر پیغمبر مویدکه عالم را
در ارواح خود بود مثل او حضا همیشه اول احتیاج ولایت
بعد از آنکه مطلب باتحاد رسید از هر باب ملل و مذاهب
جو یا شوند با چنین شخصی که لازم آمد معصوم باین وصف

مانند [illegible] خود شر جو یا شوند خدا از معصیت
خبر [illegible] از همه معصیت خود بکند باین وصف غلبه کفر و شرک
[illegible] علم و معرفت و طاعت و عبادت واقعی مطلوب حق بر
[illegible] لازم آید [illegible] باید همه خلق گویند باید
عالم [illegible] باشد [illegible] آسمان بر پا نبود
[illegible] خلق [illegible] نباشد پس چرا عالم بر پا هست و خراب
نشده است لازم آید همه خلق گویند [illegible] خواهد بود
که منافی حکمت نباشد [illegible] مثبت بغیر از این
بالاتفاق [illegible] بگویند لابد [illegible] همه خلق بگویند خداوند
[illegible] مخصوص معصوم اعلم [illegible] بعد
[illegible] است بلا واسطه کامل [illegible] از خدا او
طاعت و عبادت و علم و معرفت از تمام جهات تمام عالم را
ارواح [illegible] مستحکم کرده [illegible] همه خبر [illegible]
[illegible] شوند [illegible] معرفت و علم و طاعت و عبادت

باید بشود همه عالم پر کسانیکه بر روی زمین باشند و این

مبلغ عام است یا وجه مخصوص آن که در میان شما است نیز و

است همه ملل و مذاهب نفی آن بالفعل اند روی زمین

خواهند نمود پس باقرار خودشان همه کافر خواهند شد مگر

مذهب ما اثنی عشریه که لازم دانسته ایم بالفعل وجود

یکی از آل محمد صلی الله علیه و آله را بواسطه او بر پا میدانیم

پس بقاعده لازم آمد همه ملل و مذاهب تصدیق ما کنند

و اقرار بحقیت ما نمایند و اگر ادعا بر ما کنند و بگویند این

وجود مبارک را که شماها ادعا میکنید باید بالفعل وجود

احدی اثبات نمایند جواب بعد از آنکه در مقدمات ما ثابت

بوده اند که بقاعده لازم آمد بشما وجوب اگر چنین وجودی

مخصوص در زمین بر روی زمین نباشد باید عالم خراب بشود پس

بقاعده غالبین ما ظاهر کنیم که واضح وجود مبارک او

با خاطر در بزمین تا استقرار او همه اشیاء قرار با

و او قطعی بوده دهم پیغمبر ما است پس ثابت شد بالفعل

در این زمان بقاعده لازمه حضرت واجب ما این وجود مبارک

بنوت خاتم پیغمبر ما و اوصیاء اطهار او تمام این وجود مبارک

خاتمیت پیغمبر ما و اوصیاء اطهار او دوازدهم صلی الله علیهم

و منقرض شد وجود این مقدس در نفی عبث بوجوب وجود

اقدس سبحانه چنانچه خدا هست بالفعل این وجود مبارک

حکما باید باشد و چون ختم وصایت و خلافت و امامت و

ولایت بوجود اقدس مبارک او است و نقصان مهلت

و فقها با اینهمه وضوح حق بتمامی حجتها تا بینها است که همه

مردم از شیطان و کارهای ملت او و در کفر و حیرانی عبادت

اول ابد از سینهای ... و کفر او بعد از

با خالق جل و علا و با همه بنی آدم و با مؤمنین از جن خبر

داده شده اند حق و باطل و میانه همه خلق مکشوف

گردیده و تکلیف مردم طلب حق شده یا از دیاد عقل و

[illegible]

مؤمنین و مؤمنین مجمله و اینها از وجود مبارک اقدس روح

الارواح عالمین صلی الله علیه و عجل الله فرجه غیبت انتظار

شناسی مردم فرموده تا بآن حد که باید نمیدانند حق است

تشکر الله ظهور فرماید و از جمله اسرار ستر وقت ظهور او

صلی الله علیه و آله مبادا که همه مؤمنین در ثواب انتظار

در انتظار و تصمیم جان نثاری در رکاب مبارک او صلی

الله علیهم باشند تا آن ثواب از برای همگی بر حسب درجات انتظار

باشد در بسط باطن اضافه شده بر ملت و مانا آنچه ذکر کرده

کشف است تعدد انبیا و رسل و اوصیا هم انها که اکتفا

بآن پیغمبر و شریعت نکرده و در رحلت هر یک یکی دیگر در

جای او بحفظ عالم و مردم لازم کرده واضح است از جانب

خدا ارواح بخشش در علم و معرفت و بفعل در طاعت و عبادت

بر روی زمین عالم را خلیفه خدا لازم باشد کلی و جلی او

عالم تمام و جمیع تمام اندکه او صلی الله علیه تمام صفات فعل

خدا است [illegible] تمام موجودات تمام جلوه تمام عقل تمام علم تمام

قدرت تمام سمع تمام بصر تمام حکمت تمام عزت تمام نور

تمام ایمان تمام یقین تمام حق تمام صدق تمام وفا تمام

صبر تمام غنا تمام استغنا تمام فضل تمام کرم تمام جود تمام

احسان تمام رحمت تمام رافت تمام عطوفت تمام معرفت

و هم چنین الی ما شاء الله جامع آنچه تمام خیر تمام

عوالم ملک و ملکوت است بالتمام در تمام نوع بشر و تمام

مکارم انسان تمام تام و تمام باشد و در مراد لی هر یک

آن چو قدر یای محیط است و آنچه در تمام خلق است

بقوام مثل جویها و چشمه‌های آب و آنها که بالتمام از دریای

محیط و دریای محیط است و هم چنین مثل کوههای

جواهرات و آنچه در خلق است رعیت مثل قطعات

و قصص و نگینها و امثال اینها بالتمام که از کوهها معادن

این تحصیل شده است تا در تمام مراتب از آن معرفت مرضی خدا
جلّ شأنه بتمامیت تمام مراتب در او و در همه مراتب از اوصیا
او اسماء خدا صلی الله علیهم تمام باشد و مردم در مقام معرفت ایمان
بانچه نبوت او و او اوصیاء او اسماء خدا صلی الله علیهم است
داشته باشند و حیات تمام عوالم در تمام آن بانتظام تمام
دائر و قوام مستقر بود و از همه عوالم باو صلی الله علیه و آله
و بعد مراتب از اوصیاء او صلی الله علیهم چون انسان
که تمام وجودش بتمام خودش بوده و درش در حیوة و بقاء
مستقر بقلب خودش باشد که خالق و مشرق و باسط و منشأ
و معطی و رازق و محیی و ممیت و مجیب و مجری و
منتقم خداوند است وحده لا شریک له و ایشان صلی
الله علیهم ابواب لا اله الا هو الحی القیوم بدیع السموات
والارض له الامر وله الحکم الرحمن الرحیم تا امتیاز کامله شد
بافعال خود مراتب خودشان معلوم و بالتمام در افعال

خودشان خودشان را آشکار دارند حساب کرده شوند و شأنها
بر تمام تجسیم اعمال و افعال تمام است و ثبت تا مهاد حفظه
کرام تا عود همه بالتمام بسوی آن اصل اوّل و آخر و ظاهر
و باطن خلیفه کلیه کلی خداوند سبحان قلب تمام عوالم امکان
در افاضه و پادشاه تمام امکنه و ازمان در رتبه کلی خدا
همان که در رتبه کلی او و اوصیاء او صلی الله علیهم است
بوده اجساد رحمة جنات معلوم است همه خلفاء خاص
خداوند علی اعلا چهارده نفر ایشان صلی الله علیهم
در مفاد فقره زیارت جامعه واحد خلقکم الله
انوارا فجعلکم بعرشه محدقین که انصراف ماکول و مشروب
ایشان صلی الله علیهم در دنیا بوده بطور اهل بهشت
است طیب و طاهر منزه از خطوط بشریت قال الله سبحانه
و تعالی یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم
تطهیرا و جدهم صلی الله علیهم ائمه تمام ملائکه سموات

و اوصیین و تمام انبیا و مرسلین و اوصیاء مرضیین و تمام
مؤمنین بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در درجه
با حضرت رسول علی امیر المؤمنین و فاطمه سیده تمام عالمین
حسن و حسین سیدی شباب اهل الجنه و نه فرزند بعد دو سبط
تا بعد عصر از حضرت امام حسین صلی الله علیهم اجمعین
و تکلیف همه خلق متابعت و اقتداء بایشان صلی الله علیهم
و عمل باوامر ایشان است چه آیه شریفه ما آتاکم الرسول فخذوه
و ما نهیکم عنه فانتهوا که تکلیف همه بیان خلق را برای متباد
خود خلق به مکلفیت و اصح هست و ان ملزم مانند خود حکمت
او لیس معلوم هست که محمد و اوصیا او صلی الله علیهم را
حامل چه معنی بعضی و بشر بعضی به رسالت مبعوث برسالت
خلیفه نص و نصب خدا خلیفه‌ها صلی الله علیهم از جانب
خدا باشد تا دعوت نمود محمد سبحانه از انبیا بزبان آن خلیفه
کردند و آن خلیفه متابعت در عبادت و طاعت و علم و معرفت

محمولین صلی الله علیهم متصلاً دائماً ابداً و از حامل صلی الله علیه
باشراق ارواح از برای عالم عالم را فرا گرفته و آنچه عوالم بوده
از اول ایجاد تا زمان تنزیل با حضرت آدم علیه السلام و تمام
جنیین بعد آدم تا ظهور خود محمد و اوصیاء اطهار او صلی
الله علیهم در ابتداء الم طاعت و علم و معرفت محمد و اوصیاء
او صلی الله علیهم ارواح انعوالم تا دعوت کنند بسوی خدا
در همه باب از انعوالم خلیفه ایشان که محمد نبی و رسول و اوصیا
او صلی الله علیهم خلفاء خدا و شفعاء ولایت و در تمام
خیر اول و اصل و فرع و معدن و ماوی و منتهی بوده اند
و هستند طور از آخذ از خدا و نه خود شان صلی الله علیهم
از جانب خدا اکر بوده اند و هستند بجو هست خدا واسطه
و اند و لیس که منتهی بخود وجود همه باب ایشان [illegible]
و بالفعل بهار همه ایشان در عصمت بعد از دوم ایشان
در امامت و خلافت و ولایت و وصایت صلی الله علیهم

عالم صنعت ... ریاست و جمیع جهت ایشان بالتمام کرده باشند صلی الله
علیهم و باشند بسلطنت ظاهر و باطن تمام عالم بطور [illegible] بلکه سلطنت
خداوند را معلوم سازند تا ختم عالم والسلام

فصل دوم

شمه از فضائل در مراتب پیغمبر آخرالزمان [illegible] ابطال [illegible]
و لطافت حق مذهب [illegible] که دانستی
ضبط داشته باش آنکه مصالح روحانی [illegible] آن بر [illegible]
از مخلوق حق [illegible] آنکه از پیغمبر ما صلی الله علیه و آله اشکار
گردیده آنکه او [illegible] بوده است و دارای تمام کتب سماوی و احکام
و اطلاعاتش باخبار انبیا و رسل و اوصیا ایشان و تا [illegible]
و [illegible] همه ادا کرده و داشته [illegible] تمام عوالم
از دنیا و آخرت در تمام علوم و هر چیزی که گفته شود [illegible]
زبانها و لغات بالتمام و مصالح و مفاسد تمام خلق از
عرش تا تحت الثری که محیط بتمام اشیا بلا استثنا بوده
و [illegible] و اخبارش بغیبها [illegible] از خلق بین

باشد

و [illegible] از خلق [illegible] معاجز تمام انبیا و رسل [illegible]
اوصیا و اولیا خاص ایشان از احیاء نمودن اموات [illegible]
آنچه بوده است تماما از او ظاهر گردید بلکه ولادت تمام انبیا
و رسل و اوصیا ایشان در تمام اشیا معلوم شد اگرچه تمام
لغات انها بتوسط او و اوصیا او صلی الله علیهم داشته اند
و اضافه بر همه انها مخصوصا وجود مبارکش بسیار بوده [illegible]
آن [illegible] سحاب [illegible] بدن او [illegible] سایه [illegible]
مثل [illegible] نداشتن خودش [illegible] آفتاب و بلندی [illegible]
کردن او از جمیع [illegible] از خلق که [illegible] بوده اند [illegible]
[illegible] بر اقدام مبارک او [illegible]
او [illegible] دانم و معلوم است [illegible] نشستن هیچ [illegible]
[illegible] چنین نشستن هیچ [illegible] از هیچ خلکی [illegible]
اگرچه [illegible] ننشستن هیچ [illegible] هیچ
پرنده از بالای سر اقدس مبارک او [illegible]

سوار

سوار میشد چاه و غیره میکرد بلند بحالتی که قدم مبارک حضرت را
میگذاشت اثر قدم مبارک او معلوم میشد و بر هر کجا که سنگی
که قدم مبارک او بر آن میرسید غالباً جای میگرفت و آن اثر در آن
سنگ باقی میماند و مردم از برای زیارت باحترام میبرداشتند
و همچنین الی ماشاء الله و تمام آن از برای تمام مشاهدین
مشاهد بود و در حسن خلق و سلوک و آداب و در سایر خصال
و خصال و امثال انبیا در تمام صفات وجود مبارکش که
خدا و خودش معصوم در عزم و اراده و اراده و استقامت
رکوع و عفو و گذشت و همچنین و غیر از این در همه چیز و غیرها
اراده و مشیت خدا بل عین اراده و مشیت خدا بود و بدا
بود و شریعت مطهره او از احکام و مصالح و واجبات و محرمات
محرمات و مکروهات و آداب و سنن و آداب و مستحبات
و اذکار و مناجات و معرفه اصولیه و اجتهاد در اصول
و در بیان و مفعول و اکتساب در مفعول تا استمرار مردمان

مبلغین بیان و اطلاع از ناسوتیات و با عطای که او صلی الله
علیه و آله واضح در میان مردم مشهور است تمام آن معجزات
با بیانات است و همه کلمات از برای اهالی هر اوان و همچنین
همچنین قرآنی که معلوم است کلام خداست معجز ابنا از جهل
مثل کلام آن چه رسد بطالبی که در نسبت چه با تمیز است بر
تمامی اهالی تمام عالمیان تا روز قیامت زیرا که ختم پیغمبر
بر پیغمبران باشد که استقرار زمین بطاعت و عبادت و علم
و معرفت و افزون فضل بالافضل اگر چه بعقیده الی باشد
باید همیشه برتری او باشد چه رسد بعوذ بالله عنه نهایت
و بالا نعوذ بها العیاذ بالله تعالی و لغو و عبث که ممکن نیست
باشد پس خود طول مدت دلیل بزرگیست بر پیغمبری پیغمبر ما
صلی الله علیه و آله باین لحاظ که معلوم است از هبوط حضرت
آدم علیه السلام تا بعثت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم
از او نوشته اند شش هزار و دویست سال و بعده است قدیم تر هم گر

بوده در انجیل برهان ندارد که یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر
خدا فرستاده و اوصیا همه ایشان معصوم بوده و کشف و کرامات
بعمل آورده اند و در عهد ایشان صلی الله علیهم نبوده اند
همه را خدا داده و بر همه منصب خدا بوده اند با این وصف
شدت اصرار و الحاح خداوند در فرستادن انبیا و رسل
و درپی منصب اوصیا بالاتصال از برای قوام و بقاء عالم با این
بزرگی طاعت فراگرفته عبادت و علم و معرفت افراد را و اصلا
منوط است بسبب افراد را فقد و ملت چگونه ممکن که فقد کسی
شود از بعد اوصیا حضرت عیسی علیهم السلام تا حال که هزار و
سیصد و چند سال بالا گذشته عالم در تمام این مدت
مفروض خالی از صاحب منصب خود خداوند سبحانه خلیفه
و معلم خیر و منوطانی مانده خیر دار باشد
و اگر این معنی بود بعصر آدم علیه السلام فرستاده باد
که ابن الحر ببود مائید این مطلب تا ثبات باید ملتفت شد

که اگر وجود امام جامع معدنی بلا واسطه از جانب خدا عالم را
لازم نبود چرا حضرت عیسی علیه السلام با آنکه بود دنیا به همان
ببعدی نصب مثل خودش اوصیا معدودکان جانب خدا قرار
داد با وصف این لزوم بعد از امعدود تا حال که این همه مدت
گذشته است چگونه ملبوس منصب خدا از برای ادعو سما
ارواح از جانب خدا دیگر کسی نباشد پس واضح است وجه
لزوم عالم را در تعیین خدا خودش سبحانه پیغمبران و اوصیا
صلی الله علیهم نتوان برداشت و بوجه لزوم اوضح از هر چیز
کرد بعد پیغمبری پیغمبر ما و اوصیا او صلی الله علیهم که هیچ وقت
نشود عالم مستغرق بوجودی بلا واسطه از جانب خدا و حکما
هم تو سنه بدین دلیل باید وجود مستوی معدنی جامع
از جانب خدا ببدی نصبی که طاعت و عبادت و علم و معرفت
افراد و ارواح عالم را از برای او منوط است از خداوند و او در
که خداوند پناه از برای اهل عالم باشد تمام خیر و کلی

از برای همه و اعظم از همه و سبب تتمه ارواح ارواح تمام نعمت الله
معدن عصمت و طهارت و نبوت و رسالت و ولایت و امامت
همانست که ذکر شد او و اوصیا او با او یکی از اول ایجاد در لفظ
و ختم باو و اوصیا او ابدی باشد از ابتداء لا یزال فرموده
بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض صلی الله
علیهم است که نعمت ولایت ایشان صلی الله علیهم در عالم بود
و اعظم نعمت اتمام نعمت و تکمیل دین بوجود ایشان صلی الله علیهم
و بهم بوده امامت ایشانست و باین جهت مخصوص است
بهمان خداوند اسلام و دین که خداوند فرمود یا ایها الذین
امنوا اذکروا نعمة الله علیکم هل من خالق غیر الله یرزقکم تا آنکه
معلوم فرموده بنصب حضرت امیر المؤمنین علی صلی الله علیه
تمامی نعمت و فرمود الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی
و رضیت لکم الاسلام دینا که مخالفین در همین نعمت کافر
شدند و تمام در الفاظ دیگر کردند که خداوند الفاظ ایشان فرمود

الیوم

الم تر الی الذین بدلوا نعمة الله کفرا ...

بنص القرآن بعثت باخلاقه بر تمام اهل عالم تمام کرد ذکر او و صفات
پیغمبر او و اوصیاء الطاهرین له العترة او صلی الله علیهم را
در کتابهای انبیا خبر داد که خداوند در قرآن خبر میدهد
انکه در توریة و انجیل نوشته شده است و میفرماید النبی
الامی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التوریة و الانجیل
معجزها خبر کتابیه علیها معطوف نهادیانی که عموم سلف
در کتابهای معاصر خود شان میبینند آنها را آشکار است
در آن شان و یکی پیغمبر ما صلی الله علیه و آله علاوه است
بالفضل به اصطلاح [illegible] تمام حق را عقیبت و خداوند در
قرآن یاد فرموده ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله
و خاتم النبیین و مبعوث بر تمام خلق از فوق العرش تا تحت
الثری بر همه انبیا شده و بعد از آن دوازده نفر اوصیا
او بند چنانچه از برای هر پیغمبر اولو العزمی دوازده نفر

اوصیا

اوصیا بوده‌اند و بعضی که حضرت علی علیه السلام تا
داد با مثل خودش بعد از خودش بغیری صاید باسم مبارکش
اجدای بعد از وفات خودش از ذریه نه معین تا وصی
هر بعد قبل بود از لزوم نصبش و تعیین با عصا دوازده نفر
اوصیا مخصوص مثل هر یک بعد از دیگری خودش را بر روی
زمین که عالم را هیچ وقت قبل از امام که روح است واجب مظهر
اصلی است غائب بعدها بوده الله تا آنوقت که تمام شدند
و بعد از او رسید و انقطاع عالم چنانچه در باطن بود تطبیق
با ظاهر یافت و تا آخر با اول و آخر ظاهر با باطن دارد صیانه
او بلند مرتبه جماعت با او صلی الله علیهم که هم کسی بعد از ایشان
دوازده نفر اوصیا پیغمبر آل عترت او هستند که بنهایت
فرد و روح بالذات فی الانفصال اول ایشان حضرت امیر المؤمنین
علی صلی الله علیه وآله و بعد فرزند اول او حضرت امام حسن
صلی الله علیه بعد فرزند دیگر او حضرت امام حسین صلی الله علیه

نهم و بعد

و بعد از آن نه فرزند حسین بن علی که هر یک بعد از دیگری
تا این محمد بن الحسن از ذریه حضرت صاحب العصر و الزمان
حاضر در اعصار و غایب از انظار که او را ذکر کردم میباشد
و این دوازده نفر صلی الله علیهم همه معصوم و وارث
پیغمبر ما صلی الله علیه وآله در دانش بوده و در بعثت و برهان
مبعوث شده در رتبه با خود پیغمبرند صلی الله علیهم
همانند چنانچه نفرمود بار بعد با معصومیت و ان ارواحکم
و نورکم و طینتکم واحدة طابت و طهرت بعضها من بعض
و اینها اهل بیت و عترة پیغمبر زیارت عصمکم الله من
الزلل و آمنکم من الفتن و طهرکم من الدنس و اذهب عنکم الرجس
اهل البیت و طهرکم تطهیرا و معجزات ایشان صلی الله علیهم
هر یک بیرون است دوستان نیا بودن و دشمنان
با وجود کتمان ایشان هزار یکی را شاید پانصد هزار
یکی که علم ساعات شب و روز با ایشان صلی الله علیهم تمام

[illegible] و ذات [illegible]

عبادات و طاعات هر ان حضرت مضله معجزها بوده ثبت
کردند مع ذلک کتابهای مؤالفین و مخالفین پر است و
از حد احصا بیرون است معجزات ایشان صلی الله علیهم
در حین زمانها و از ان زمان در بعضی از ان ظاهر است چنانکه
از روضات منوره ایشان مشاهده شده و میشود
و در اخبار و احادیث ایشان بحسب افهام معلوم است
و در توسل بامام عصر صلی الله علیه و عجل الله فرجه آشکار
از آنحضرت شده و میشود و بسیار از این شدهها نیز نوشته اند
هر که خواهد دیده خود را منور سازد رجوع کند و تا
در زمان خود خواهد نیز اگر مقتضیش شود خودش
نیز ببیند و بشنود خوشحال گردد چنانچه کرامات و
معجزات ایشان در هر عهد بناء روضات ایشان و نیابات
و نسل ایشان آشکار است که چه نقدر دشمنان خدا سعیها

و اهتمامها

و اهتمامها که کرده اند در اخفاء محل قبور ایشان و منع تعمیر
و منع زوار از زیارات باسم بدعت و تشدید کردن سالکان
و مؤمنین کوشیدند بهر چه خواستند تا خدا را
پنهان سازند و ذکر خدا را محو نمایند و اسماء خدا را از
خاطرها بیرون کنند در هر نقره بر خلاف آنچه اراده آنها
شده بود معجزات نمایان شدند و خداوند در میان بود
ان مخالفین که در اتفاق عالم را فرا گرفته اند امروز و غیبت
مناسبت جنسیت هم شیاطین در کمال شدت غضب
خدا باتمام شدن حجتها از خدا بر افهاد رجع بلیغی
و اکذاره شده بوده اند بعضا از طاهرات ایشان در
بکور چشمهای همه مخالفین پس و بعد حمود و تشبید
داشت و مؤمنین روز بروز زیاد شدند و شوق زیارت
خداوند در قلوب مؤمنین با آن شدة تعمیر و حفظ
عظیم که از اموال و جانها کرده شدند تا از اسرار زائرین

نیله

بعلیه در بنیادات قهر مخالفین را مغلوب نمود و نسل مبارکرا

بر باجنابه محمد الله ستیزه ملبثوند و رسم ان مخالفین را

ذاتا مقبر او نسلا هلاک فرمود و از خرابه کوفه او لقه شام

کهنه و دیگر قدیم که از بلدان عظام دنیا بوده اند اثاری

از انها مانده حال منافقین اهل انها و بسیار مثل انها

معلوم است و تعزیه داری علی الاتصال در سنان اهل

بیت نبوت و رسالت و عصمت و طهارت صلی الله علیهم

است در تمام عالم با عقاید مختلف بسیار در خلوص

خودشان با اهل البیت صلی الله علیهم و شمشیر اهل

البیت است که در سنه این دوان داده شده و ملبود

در جابهای مخالفین علیه افتاده و حیات قلعه کردندها

ان مخالفین که حجاب باید بشمشیر کشته شده و ملبوند

و هم چنین تا ظهور حضرت صاحب محل الله فرجه و بعدها

خدا داند تا حشر و ابا و علی الابقا خلاصه کلام الحمد لله

العظیم

العظیم القاهر المنان پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و کتاب

او و اوصیاء الهادی او صلی الله علیهم چنان را نیز همه کرامت

کرد دیگر کسی را حاجت شاهد نیست نیز از کتب سالفه الهیه

نمایان است و الطاف ایشان صلی الله علیهم تمام از معلوم

و مکشوف شده و ان مبین است بر اینکه نیست که باید کتب

سماویه و معانی کلمات ان را انبیا و رسل ما ضبط و اوصیا

ایشان یا اصحاب ایشان دانست که توحید و قران و سنت

و عبادتها از ایشان صلی الله علیهم در تمام عالم منبسط

شد و جناب اجلالاد را این رساله شرح نموده طلب بین

کنند را در فهمید حق معین کرده بر میان مردم باشد و به

بینید و بفهمید عند الله تقصیر خودش هست که خودش را

کور و کر و لال کرده است و از امر تو خواهد بود که صم بکم عمیا

نکم باشند وانا تا است که و لهم قلوب لا یفقهون بها

و لهم اعین لا یبصرون بها و لهم اذان لا یسمعون بها پس او

همان

و من کان فی هذه اعمی فهو فی الآخرة اعمی و اضلّ
سبیلا والسلام فصل سیم واما از جمله معرفت
بفاعلیت اماره و اشعار خلافت در خلق که پیغمبر از معصومین
مصر بکبر معاذ عاد آن خلق مگر چند نفر را از اولو العزم
در رسالت بتمام عصر خودشان فرستاده و هم چنین
اوصیاء ایشان مثل خودشان همچنین بتحقیق از فهم
در تمام امت ما بین از لطف عقل و مراتب فهم در خبر فرستاده
و قوت بشریه بوده و در بودن پیغمبر تمام را جمع کرد و افاضه
بانضافهرداد تا نواقص تمام را بکمال برساند و احاطه بر تمام دوره
عالم از بعثت ابن باشد حالی ملتفت باش که پیغمبر
ما را فرستاد آخر شرایع دلیل اولیت او هست در پیغمبری چنانچه
می بینم وارد شکر سالخیره بشود اول باعث کار آن که نوشته می
شود و هم چنین صندوق تجارت که جنس پر کنند اول
کتابچه صندوق را هم خالی کردن آخر بردارند و هم

چنین

چنین شخص بوده که در آخر خالی می شود خالی شدن او
دلیل بودن اول او از خالی باشد و هم چنین امثال
خیلی مثل بسیار دارد با اینکه اینها مشهوده می فهم در راه
عامه مردم اقرب بفهم است مؤمن بیان کردیم و نزد اهل
بصیرت در ضوابط کلیه نظام به انجام که رسیده شود هم
همین طور با نظام دیگر خواهد شد پس باید که عقلیه ضامنه
بر نقلیه که معلوم شد پیغمبر ما قبل از همه بوده و بعد از همه
آمده هست همین نیز دلیل اولیت خلقت او هست و اوصیاء او تا آخر
صلی الله علیه که علت غائی اند و اصل اند و خلق ما بالتمام
بجهة ایشان خلق شده ولانه اولیت خلقت و حجت
ایشان است در دنیا که بوده اند و خلق خالی شده
باشند تا خلق تمام شوند که فتح و ختم با ایشان شده
باشد و در قرآن تا الحمد است نکو ببینید را الم و مثل
اوایل سورها تا آخر که حروف مقطعه نوشته شود بعد

انحلف

در [illegible] حروف چهارده حرف باشد صراط علیّ حقّ

[illegible] کرده و تکلیف همه ایشان بوده و هست و هدایت

و همه معلوم است از اول اول بر حسب تکوین حالی هست

دارا بر مطالب واقع شد که چهارده نفر معصومین پیشوایان

ما همه صلی الله علیهم از اول ایجاد مبعوث بر تمام کرده [illegible]

و همه را [illegible] امده از جانب ایشان بوده چنانچه

[illegible] غیبت صاحب عصر از جانب ایشان که

[illegible] که بر تمام خلق فرستاده شد [illegible]

تمام عقل و تمام خبره تمام قدرت و تمام قوت و تمام علم

و هم چنین [illegible] کنند شود صفات فعلیه الهیه خداوند [illegible]

و از ایشانست مثل آفتاب که بر تمام عالم میتابد چنانچه در

عالم [illegible] کفته شده و کفته نشده بالتمام

تابش ایشانست که بر تمام خلق تابیده که تمام موجودات

اشیا [illegible] ایشان است از نور

اراقه

اشراق شده مجلی ایشان بر تمام عالم حاصل اند چنانچه [illegible]

که ظلمانی هست و بر خلاف نور هست چون ایشان در اشراق انوار

ایشان بر جهانند مثلین یا کتابیا از اشراق شده انوار

ایشان کرده و بر روشنائی ظاهر شود و هم چنین تمام اجرام

و اشیا علویه و سفلیه را بالتمام چنان بفهم و انهمین

حیات عقلانی و قوه و قدرت که آنچه خبر هست همه را ایشان

و متصل بلا فصل از خداوند با ایشان بنا یافته خداوند

از برای ایشان بر تمام خلق است چنانچه هر یک از

بندگان خانه خود بر است صاحب مالک آنخانه است

پیغمبر ما و اوصیاء او صلی الله علیهم بر تمام عالم

هستند خانه امکانند صاحب و مالک تمام عوالمند

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین بسم الله الرحمن

الرحیم تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده لیکون

للعالمین نذیرا [illegible] بر خوانده که جمله هر یک از [illegible]

ب... نسبة الله سود عالم نخواند تا این سخن هست الضیر لی

صاحب وحی بالک فرا رنکره که خالی قرار این عالم بصاحب

هنة الحمد صلی الله علیهم مرتضی دوازدهم پیغمبر ما است

و تمام خبر علم خلق بتوسط او هستیون دانسته شده که تمام ثوت

مقدر به خلق کرد بله ادهسا نیز تم که تمام عالم چه حقیقت

است موافق وجه حقیقت عکس است اعلی اسفل ظاهر

باطن حقیقت مجاز که معلوم است مقابل ایمان کفر

ظاهر و باطن چونکه بلند شود در همه کمال معجزه که ثابت

بود از خدا حقیقت معجزه هم شهادت است که ثابت

هیشه ابد خدا را لطلب جزا واضح است که خلق در آخرت

خبر از داده شده بدعوت کنندگان حق و منکران از خدا

و بشفاعت ایشان دیگر چیزی نیز بیند و آنچه دعوت کنندگان

منکر کنندگان او از ثواب و عقاب کفتند آنها همه بالتمام

دیده همه خلق میشود تا همه خلق صدق منزهین را بدانند

و همه را از او سبحانه لا اله الا هو که دعوت کنند کان انبیا

او بنده پیغمبران خاص او بوده اند و هستند و بسنگی از نزد آنها

تمام خلق معلوم میشود جهت در پیغمبرای ایشان صلی الله علیهم نبود

اینکه ایشان صلی الله علیهم آنچنان در راه خدا کردند مستحق

هر مقامها از خدا شدند و همگی خلق عاجز بنا توانی خود

در مقابل انکارهای ایشان صلی الله علیهم با بغاوت و کوی

خود شان در دعوت خود شان بفهمند و مؤمنین هم

هستند در خبر و احسان ایشان صلی الله علیهم ابد نیز ببینند

که فیوضات نبوی ایشان صلی الله علیهم و لذت برای ایشان

صلی الله علیهم در مشاهده همه خلق عیان از غیب الغیوب

همگی مؤمنین داده میکردد آنگاه نوعی از کافرین ندامت

و افسوس غفلت خود شان از اندنای خود شان در حق این

تذکرها شده باشند که از آنها کوید یا لیتنی کنت ترابا و یا رب

یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا و زبان بعضی از طائفه

دیگر چه گرچه بد بناسف بعضی لهم تجد لانا خلیلا معلوم است
دیگر کافر بن مشاهیر بن مجاهد بن معاند بن ملحد بن کور و
انبیا بودن و مسخ بصورتهای اطفال خودشان تحویل شدگان
در جهنم و سختین عذاب باندازه لازمه خودشان خواهند بود
و مطلق مخلدین در جهنم مسخ باشند چرند بخوبی شود کرم
ابریشم در عقب خودند برانند و صوت پوانه بعد اگر از جمله
تشبیه خود در آید معلوم کنند مسخ است این بیان مجمله این هم
است و هم بنا بر عادت بلا تلو اضعف بعبتا است بخیه از برای
ایمان آورده‌اند که ان غبار بان مرکز تمام طاعات مخصوص و خشوع
و عبادات معلوم شود و اهل ایمان از اهل کفر آشکار کردند
بشنوند که این سیلک میاید از هر ترنم در شنیدن با قوال
و افعال خودشان خودشان را معلوم شاید تا هر طرف را که
اختیار کنند اغیره انظار خبر داده شده است مرتبه
دیگر اینکه معلوم است اینکه مظلوم در دنیا در راه خدا هر اندازه

که مظلوم شد و شود بهمان اندازه غالب است ابد الابدین و
ظالم مطلقا براه شیطان است بهر اندازه که ظالم شد و شود
بهمان اندازه مغلوب است ابد الابدین که از برای مظلوم با
صبر اوست در راه خدا بهشتها و نعمتها است موبد از برای
ظالم باندازه ظلم او در جمیع ابد الابدین جهنم و عذابها است
مخلد که پناه بخدا باد پس از سیاه شدن و عقرب شدن
تمامی اهل بیت داد و حیوانات و مسخ تمامی خشم و غضب دن تمام
مرتدین که ظالم را پرکرده بوده الغرض که هر ظلم از همانها
شقاوت که بوده اختیار خودش داشته و وارد در شرف
غضب خدا و کرده شده و شود بمفاد آیه انما نملی
لهم لیزدادوا اثما بمجرد این غفلت دارد و بشود هر را
اکنا فی عمر اندازه تمامی خودش ورند بعد بها
خودش برسد تا نیست شاید مناسب ذکر آن دعا
شده که فرموده و لکن قست قلوبهم و زین لهم الشیطان

كانوا يعملون فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء
حتى اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذا هم مبلسون
فقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين و نيز
ايشان از طرف مقابل بجهة ايشان تكميل نام تمام خواستند شد از
بهانه خدا فرانست شايد ذكر يا شد علیهم ان الله اشترى من
المؤمنين انفسهم واموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في
سبيل الله فيقتلون ويقتلون وعدا عليه حقا في التورية
والانجيل والقران ومن اوفى بعهده من الله فاستبشروا ببيعكم
الذي بايعتم به وذلك هو الفوز العظيم در هر حال نفسه كان
برا مندارند الله شمشان خدا رحمه الله بر حسب ارتفات
وارسنه بينا اظهار محبت بجز اكشف وبناء ان كشف
از ظلمت بعقيده عالم ارشاد نفس مطمئنه بهدام مفهوم
است وعلم انوار الذين بفهم جنا بجز ابكر دو نقش
مقتله بربه مامون رشيد لعين كه بحكم امام دنيا و آخرت

نوز خدا ثنائي حق حضرت امام رضا ولي خدا صلوات الله و
سلامه عليه بحسم شدند و اتفاق كافر از حضور
مامون و اهل مجلس بر همه ببينند و شكسته شد محو دند
ما انهم بانكه شايد حكم نزنها بنده مامون را هم بجوريدند
كال شدت غضب خدا بر مامون بود اگر ار يكي تا با آسمان
ابير در خور خودش بنا بجا ارد بفعل خودش معلوم شود
لذت نهادند و بصورت اول حكم فرمودند بر كشته و كم
شهادت واضح است مطلوب در ميان امت و در عقب
بر كشته بالحق انك لعلى ربه بر بنوا ما عنه با بن نفيل
كنا الذين خودشان را ثبت احمد بعد افضال اخر ايشان مسخ
ايشان را در حزن و بسياري از ايشان بر جناو صورت
عقاب ايشان را كيفيت ظلم ايشان را در جهنم خبر بعده
الله و مرهم شنيده از ايشان حكايت حكرده اند و از فنا
نظاهر اقرار در ايمان مبتني اند بر محض ابن وصف

جهان نیست از جمله قصاص قبل الجنایه است و اینجواستند با کمال
ندرت ظاهر و دیده نشده همه مردم و اعجب العجایب بسیار
و اقفا معرض اقفا نشده خاصه و بود که حجت خلق باشد
که بگویند دعوت کنند خدا از برای هدایت خود ما ان
خواستیم و یاری او میکردیم قبول نکرد و نیامد و گفته
اقفا در او بنا و اخرت نبود و بدانستن خودش اقفا دفع
حجت اقفا نشود و بدانند به عقل خودشان حاشا هم خدا
کره جواب اقفا چه شود مگر ملتمس را اجابت حق نباید و
بالالزام حاشا کردن اقفا او ره دنیا و اخرت باطل
نباید و کفر اقفا و پیشینیان در طریقه اقفا همه را معلوم
شده تا حجت از خدا تمام ان بر اقفا رسیده و مومنین
بدامده باشند و از این تفصیل معلوم است نقض اسرار
بسیار برای حق علوات ماند شهادت با انقضاء وقت
و اصل نیست با صورت شود مقلب حسن اختیار مردم

کران جمله ما اینشان نشود نسبت بجانب خدا از برای منع و دفع
جنود الجن بعمل حجت بلجام الهیه با تفصیل واقع کردد
عجیب غلبه سوء اختیار مردم و شدن شان شیاطین در تبع
الجن مهلت و مهرا است کرده الجن و افعال او مرحمه
عالم واضح است پس سبب صبر او برای انتقام نشود در
تمام و اغبیاء حق از جمله از جمله این بوده است چون میبینند
در اصلاب کافران مومنین واکر اکر کافران را با این وصف
بکشند مومنین در اصلاب ایشان معدوم شوند لهذا
تا ملتفت باش اینه فقیهی از ایشان اکر واضح
چه کنند بجهت خاطر ان مومنین که در اصلاب کافر نخبه
با این وصف صحیح از برای تمامی هر یک خودشان بدوام
خوانم ائمه دین سعی بسیار که داخل است غضب خدا بنده
جامدین مرتد بن راسعد ان نمیدند همه اقفا حق را برد
کرده باز به باد کافران و اقفا رد در افعال خودشان

کردیده نامعلوم شوند و چنان وگذار دیگی معلوم است اینکه
اشباه و امثال اجزاء خود را گذارده کرده مگر از سخره و منافات
با انبوه صف جیب مردم عالم باید جز دفاع و تحمل و صبر
و فراید ظهور حق و دیگر چه باشد چنین با این سبب حضرت
جرجیس علیه السلام صبر کرده او را اشقیاء مردم شهید کرده
زنده شده باز ایشان زنده شدن خودش باز در حضور
خودش صبر کرده شهید کردیده چندین دفعه چنان شده
و با این سبب حضرت زکریا و حضرت یحیی علیهما السلام صبر
نموده و با آن تفصیلها شهید شدند خداوند معبود را
اشخاصی رسانید تا انکار این دار مکافات و بلای کشتند
دینا سبب تقابل آن اشخاص با مومنین اصلا بنیه غیر مترتبه
کرانقصه بالی معلوم دشمنی بلطف و لطف حضرت منصرف شده
بوده اند شاید بود کفتن در حضور به بعضی که مشاکله و نظر
بیاهت کوبا نقلدنا شاید هم از انتقاد در آخر خلق دنیا اطفال

نکاه

کفار را تسمیم و ذات شده و فقرا و اصحاب اصلی مؤمنین کو جهت
رسانید که تا انقیاد در آخرت وقت مطلب بهشت پر شدن خودش
تا جاهای خالیه در بهشت پر شوند و هم چنین چه مردم
از پیغمبران مبتلا به بلاها از شهدای نفوس شریره قوم خود
کردیده و هم چنین پیغمبر ما و آل و اصحاب او صلی الله علیهم
که تمام مجرا از ادا بوده اند در مقابل همه بلاها که از
مردم اشقیاء با ایشان رسید تا حضرت حجت صاحب
ما الله عصر و زمان حاضر غایب موجود امام اهل سماوات و
ارضین پادشاه ملک و ملکوت صلی الله علیه و علی
آبائه عجل الله فرجه و از علو مرتبه و مکنونات قدرة
مرتبه ایشان صلی الله علیهم همیشه تمام انبیا و رسل
و اوصیا قبل و ملائکه سموات و ارضین خاضعند
در شب و روز منت تمام مرتبه ایشان صلی الله علیهم
در اطاعت ما بین زمین و آسمان متصل پر کرده

معرفند

حاضر شدند تا آنچه بفرمایند بشنوند و بپذیرند انتقام خداوند را

از کافران بعد از ابقاع باستحقاق کافران در دنیا و در

رجعت هر یک ایشان صلی الله علیهم و جمیع اولیا در آخرت

عطاء خداوند را هر یک از ایشان صلی الله علیهم در

دنیا و آخرت و تمام دوستان ایشان صلی الله علیهم

و ایشان صلی الله علیهم از این صفت رحمت

خداوندی که در آن صلی الله علیهم با مؤمنین

هستند در دیدن ایشان صلی الله علیهم از حضرت

بیرون مؤمنین از ابتداء ارحام و رحمت ایشان در

همه را و آنچه گذشته از مؤمنین بالتمام بشفاعت

هر یک ایشان صلی الله علیهم و انشراح ذهن به این

مراتب معلوم چنانچه بالفعل شیعه و محبین در تا

و مطلبین از نصیب ائمه ما صلی الله علیهم چه قدر

عبد الله در تمام عالم در زاید شد و بهر آن

اندوز

اندوز و شب چه قدر تفاوت چند برابر یکی بر باد

رمضان مطهره ایشان صلی الله علیهم مشرف اند از

ما الحجان گذشته اند که رمضان مبارکه ایشان

صلی الله علیهم آلی از توسل و تبرک و طواف و عکاف

در زیارات ما از حطام جماعتها اجر دارد بالاتصال و قبول

مجرب بودن چه بهشت و جهنم داشتن بغیر از ایشان صلی

الله علیهم تر سخن از برای دنیا و آخرت خود شان

جنابیه (?) کسی ابکار بیحوجه نماز دنیا بکردند تمام عزت خلق

شد با تمام ایشان صلی الله علیهم العزة لله و لرسوله

و المؤمنین ایشان میباشند صلی الله علیهم در دنیا

و آخرت ابد الآبدین خداوند اهل ایمان با ایشان

صلی الله علیهم را زیاد تر کرد اند و حوایج دنیا و آخرت

همه را بحق ایشان صلی الله علیهم بر آورده کرده همه

ایمان او تا بعد ها همه را بهمین طور در آخرت در زمان

خودشان صلی الله علیهم صبغه یافته تا بود دنیا هست و
ما بعد دنیا هست الی ما شاء الله که خداوند عالم اول پیغمبران
و اوصیا را با سماء خودش سبحانه که ایشان باشند
صلی الله علیهم فرستاده و بعد خود اسماء خویش را تبارک
جل و علا که ایشانند صلی الله علیهم خاتم قرار داد
و ابتدی برحمت فرستاد فصل چهارم شمه از اسرار
و ایشان صلی الله علیهم هیاکل توحیدند و ارکان
توحید و شروط لا اله الا الله اند و لا اله الا الله
ملفوظی چهارده حرفست بعدد انوار مقدسه من
الله مفیضه بر تمام عوالم اسماها و رسمها با آنها
الذین را اثر بوده فرموده شده اند حضرت رسول
و آل الطیبین الطاهرین معصومین او صلی الله علیهم
و لا اله الا الله مکتوبی دوازده حرفست مدد
عالم بعدد دوازده نفر اوصیا صلی الله علیهم در سر اوقات

غرو

قرو انبیا تمام که عنصر مرحومت با ایشان صلی الله علیهم و
صلی الله علیهم جریان قوانند و صفات فیض ذات اند در تمام مخلوقات
بالتمام و ظهور فیض ایشانست که خلق شده اند و عالم را ایجاد
تملکی ایشان صلی الله علیهم شرق و غرب و فوق و تحت
تمام عالم در تصرف خداوندی خداوند خداوند جل
و علا در تمام حیات از سلطنت گرفته تا زمان ظهور ایشان
صلی الله علیهم ان اتحاد و حدت جمع شده اند خاتم تمام
مراتب و ختم جامعیت معلوم هست و شمس عالم کون
مراتب ایشان صلی الله علیهم بر حسب اقتضاء با علان در
حق ان برای خداوند لیکون الدین کله لله سبحانه در
هست اول مولای ما علی امیر المؤمنین صلی الله علیه
در نفی بت پرستی و لات بر خداوند یگانه پرستی دعوت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوجود مبارک نمودند
انبیای خدا که واضح هست خلق در ترکیبات احتیاج

مفتقرند بالذات خالق ایشان [illegible] خودشان بالتمام [illegible]

همه مخلوق الله است [illegible] بایستی [illegible] چشم و گوش

و سایر اعضاء و جوارح و متعلقات [illegible] و احتیاج [illegible]

و عدد [illegible] و حرکت و سکون و [illegible] و مکان

و همچنین الی ما شاء الله همه [illegible] حوادث اند

در ترکیب خودشان [illegible] معلوم گشته اند [illegible]

ترکیب کننده [illegible] علی الاطلاق غنی بالذات

حکمت [illegible] شنوا او [illegible]

ابدا شناخته نمیشود [illegible] بالذات محیط [illegible] که خودش [illegible]

مخلوق [illegible] غیر از همه اشیاء

وحده لا شریک له خالق منزه از تمام اشیاء و از تمام صفات

[illegible] تمام عوالم تمام ممکنات شبیه هیچ ندارد که

معلوم هست انواع و اقسام و اجناس [illegible] و الفاظ

[illegible] و ملکات و معقولات و موهومات و هم

چنین تا هر [illegible] بالتمام مخلوق [illegible] تمام امکان [illegible]

اند و تمام عوالم امکانیه [illegible] در تمام [illegible]

تمام هست بالتمام عاجز [illegible] محتاج ضعیف ممکن بالذات اند

[illegible] بالتمام [illegible] بالذات سبحانه [illegible]

[illegible] بر علیم [illegible] بالذات

معلوم هست اینکه منزه از تمام اشیاء و از تمام صفات

[illegible] تمام مخلوق [illegible] ذکر [illegible] هیچ [illegible]

خودش بالذات شناسد ولی [illegible] خودش [illegible]

[illegible] ساعت [illegible] ساعت [illegible]

[illegible] شناسد [illegible]

[illegible] خودش [illegible]

هیچ جهت [illegible]

[illegible] خدا را [illegible]

[illegible] خودش [illegible] مخلوق [illegible]

که

کر ... دل خود ترا ... چه است چه تواند ... نمیهد

تاجر الشیا بالله نخواهد تجاوز از حد خود نتوانند بکند

برانسانست تا دیدن این همه ایات روز و شب تکلیف خودش

نظر بحاجت اینکه بداند که اگر دو خدا فرض شود بدون بلک

و تسلسل نخواهد بلی هست اینکه هر یک را احتیاج باید

و هیچ نبکرد دو ره احتیاج محدود است با رسباب نقایص لازم

دارد و هر بود لازم میباید خدای دیگری غنی مطلق بالذات

اثار وحدت او ظاهر بوده باشد که هر دو مخلوق او ملتو

وجبت صانع اسما فا خصوصا غایت بزرگها هست یکیا ...

واضح هست واجب الوجود خالق همه هست و او سبحانه

منزه از تمام مخلوق هست و غیر تمام مخلوق هست محیط تو

هست بالذات بهمه جزئیها و کلیها بالتمام و بر خلاف مخلوق

است مخلوق غیر او بنده بر خلاف او هستند و عقل

ما فهمید که علی و ائمه صلی الله علیهم انداینه معصومین

ماها که تو جانب و نها چیزی ثابت نماید مار سید و ابن حفظ

بلند که تو خود شان با امامت صلی الله علیهم هست که

ما داد از سید ابن حجر جبر ممکن نیست ایمان جادها

بیانست و صفات ما انها عجب قول ما ها از اخواهد بود

و لیس و لا غیر هم چنین سبحانه و تعالی جل و علا بلند مرا شام

ذکر بلند تمام تر و ائم محدود و نقایص و سببار لازم می

بلکه خدا هم ارهست شر البته مثل ما چه شبیه غیر او غنی بالذات

نیست و غنی بالذات یعنی خود و عنایه از خودش هست مجید

چنانچه جوهر علم قدرت سمع بصر عزت حکمت و امثال صفا

کر صفت از انتوان باو نسبت داد مگر کفر میشود و هم بلک

عین نیست و خودش هست و هر چه را کر نتوان صفت از ا

نسبت باو داد مثل خوب هست و عذر آن نخواهد شد و اینها

کفتن و هم چنین نسبت انها صفات تعالی خود تنها

بالتمام مخلوق خودش هستند حالکه معلوم بالوجوب

[illegible]

بدین معنی که گفته شد پس هیچکس هیچ چیز نیست که اورا
بالذات بشناسد بخودش خودش جمله لا شیهات لیس
و نه اینکه خودش شناسای او نهفته باشد بلکه ودیعت شود
که خودش شناسای باشد شناخت پس خود شناسا
خودش خودش نهانست که خودش هست بی چون و بی چگونه
ضد ندارد سبحانه و تعالی الله اکبر لجل من ان یوصف
غیب الغیوب بافعال خودش و معبود خودش ظاهر
کرده میکند و میبراند باران نازل میکند بادها
ودیعتی میدهد چنین که ما سر او در عین سر ما
که الهی اینها نیست علت ساعت و در پیش آن
میکند ساکنان و باغ زمستان و بهار
و در اعیان نیست عبادت
خورشید و ماه و اختر و اشجار و انهار عبادت
کنایه از ان باشد و نظام همه از نعمت او لا آدم

خیلی

و همچنین تا از فرقه اتباع کمند در میدان ما
ودر منها با این عظمت و سکینه لکن هیچ چیز جهت نیست
همه چیزها بلا شیء عرش مستوی است معلق که ها شده
و هم چنین الی ما شاء الله ... بار ... بسیار
که عبث و بیهوده نخواهد بود که در مصنوعات او تفکر
... نخواهد نمیدانم و نیز متصل با
ذکر او ... از معدن ... و عصمت
ولایت انوار عظمت صلی الله علیهم است فو ...
که معنی امام ... مردم ... باشند ...
تا از غلبه همه بان ... که ... او هست ...
باشند و تفکر در خود سبحانه کن ... است
چه ... معالجه ... که ...
و معالجه ... از افعال مخلوق است و منزه از
در مخلوق هست بل او هست ... و للتشبیه ...

باشد استحکام یابد بیشتر از هر جا سخن کلام داد این اثر اورا
... با تکرار ایمان محمد خاتم النبیین و علی امیر المؤمنین
و آل معصومین صلی الله علیهم و پیرو بود و کار
ایشان بود و کار عالمین هست و آدم در منهاج ایشان
... و موالات و متابعت با ایشان و قرآن ائمه
... بعصب ... کار و برائت از دشمنان
ایشان ... کلمه ... لا اله الا الله ... خوب است
ایشان ملعقت و الم الامکان ... نتیجه تمام آن درد را
وصفات خود ... مناج ... بود ...
از ... خدا را منزه از تمام آن ... تشبیه
... خود ... حقیقت ذات
و صفات خودش را ... ترکیب بداند و خود را هیچ چیز
... شناسد ذات خود روح و عقل و ذات خود را
... و امثال اینها را خودش بدیده ظاهر شد

دانه همه خودش را ... اعتقادش اینها را چنین ثابت ... کند
کسی ... ابدا ایمان و اعتقادش همچنان در ... خند
ثابت باشد ... منزه از همه اینها خالق
همه چیز بلا تشبیه با ... البته ...
همه چیز بالذات ... شود ... نکرده و هم چنین
... خود تفکر کند تا خود را ...
و باید ... که تواند در تحصیل علم و معرفت جای او
طاعت و عبادت با اعتراف ... خودش در هر حال بکو
... او سبحانه را در عبادت و طاعت خلق از ...
... خودشان ... این ... چاره ...
چنانچه واضح است اگر کسی از ... دارد ...
... او ... کرده ...
شود و هم چنین ... و متابعت ...
با ... باید در ... خانه او رفتن ...

دیگر چگونه بهمه خوبی و خوشیهای جای اوند
و اورا رجعت بجانب خود دادن شود مقصود آنست اینکه
خضوع و خشوع باندازه شان طرف مقابل است از این
بقدر شان خداوند را کرم نمی خواهد جو بی حد خضوع
و خشوع با التزام عبادت سزاوار است پس هر بنده است
اظهار عجز خودش و سزاواری خداست در هر قدر از
شمار [illegible] طاعت فوق العادة ما عبدناک حق عبادتک
حیث حد و کوچکی خود بنده و بی حدی شان و عظمت
و بزرگی و کبریائی خداوند سبحانه که هر بنده باید در
حضور خودش با اخلاص و [illegible]
خودش [illegible] حقیقة در مقابل [illegible]
[illegible] بحبان خودش هوا [illegible]
[illegible] از این همه [illegible] و اعتقاد خود را
زیاده راسخ نماید از جمله [illegible] خودش است و مذکور

شد

شده است که [illegible] بینند [illegible]
[illegible] بلکه [illegible] خود [illegible]
باشد دارانکه [illegible] شده [illegible]
توان گفتن در [illegible] هست [illegible]
داخل و خارج [illegible] حاصل نکرده [illegible]
گفته هیچ جان [illegible] بنست با اینکه [illegible]
[illegible] خودش است حقیقت از [illegible]
[illegible] ظاهر [illegible] دارد و اورا شبیه بسیار است در
چنین [illegible] کرده خودش است [illegible]
بخیال [illegible] و هیچ نباشد معلوم [illegible]
انکه ساعت [illegible] ساعت [illegible]
[illegible] کرد [illegible] چنین [illegible]
که خداوند [illegible] شبیه ندارد [illegible]
[illegible] خلق کرده است [illegible] بالذات [illegible]

که خودش

که خود شهد الله انه لا اله الا هو العزیز الحکیم ما عاجز از
معرفت راه دیگر طلب شعوار عجز معرفت خود مان بخود مان
ما را کافی است وجه [illegible] مدعی عجز ما در شان ماها است
بامه ماها صلی الله علیهم [illegible] منصب امامت ایشان
الخداوند جلالت قدر ایشان و لطف بر ماها کرد و سبحان
تبراکننده از ایشان و لبیب ایشان صلی الله علیهم است
بالتبع خالق و لامر شیء است و دیگر خود ذات او عین خود
قدرت علم سمع بصر حکمت وحدت عدل اول آخر
باشد حائل و حاجب ظاهر و باطن نزد او هیچ چیز را
نباشد و او همان که قبل از اشیا بوده حال با این همه اشیا
ها است که بوده هست و باشد افی الله شک فاطر السموات
والارض که او است وحده لا شریک له جل و علا الله اکبر
ولا اله الا الله والله اکبر بر ذکر است از اینکه در وصف
کرده شود و او سبحانه معلوم است از تمام اشیا سموات

وارضین

وارضین و تدبیرات را بعد از اثبات ذات و صفات معلوم شد
در اعتقادات اینکه او است قدیر محیط قیوم علیم غنی
بالذات است خالق تمام آن بجانست عبر تمام آن که منزه
از تمام کم و کیف تمام است که دری وجوب و وجوب
سبحانه است وجوب لطف در فرستادن سفرا منصوبین
منصب خودش از انبیا و مرسلین و اوصیا داد ندهای
خواستهای او و توحید او صلی الله علیهم اجمعین در بر خلق
است متابعت فرستاده او است و خلیفه منصوص و
منصوب او است امام منصوب خداوند سبحان در خلق
باختصاص بعضا جا بجا ان توحید خدا را بیاد آورند شدند
تا حضرت امام جعفر صادق صلی الله علیه که دین نوهب
حق بوجود مبارکش تا اینکه خود را از آن پرده جهل ظلمات
غافلین در آیند [illegible] در عالم
کردین حق در هر زمانی باعتبار مردم در اضمحلال

فهم

نقبای خود شان که بود الا [illegible] رواج و حفظ عالم و نشر
و شریعت و مؤمنین بوده و ابتلاء افساد و امتحان و فتنه
گردنت اول در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله
معلوم هست و بعد انبساط و نوایب [illegible] خلفاء
[illegible] زمان [illegible] مردم [illegible] شان
رسول صلی الله علیه و آله [illegible] خلفاء و اوصیاء خود را [illegible]
[illegible] خود [illegible] باسم [illegible] نقباء اثنی عشر [illegible]
[illegible] الائمه [illegible] احمد و اوسطنا [illegible]
[illegible] صلی الله علیهم [illegible] اوصیاء خود را
[illegible] بیان [illegible] تفصیل [illegible] الائمه [illegible]
[illegible] الائمه [illegible]
[illegible] ترتیب نام ایشان صلی الله علیهم [illegible]
[illegible] امام هشتم علیه الصلوة
السلام را در خراسان بان تفصیل [illegible]

[illegible] من ریاض الجنة و همچنین همه [illegible]
اصحاب ابرار و [illegible] و تحمل ترتیب از جمله مثل [illegible]
عمار و حذیفه و حبیب بن مظاهر و سلمان و ابا ذر و عمار و
امثال ایشان [illegible] سلام الله علیهم که [illegible] بوده اند
[illegible] با خود شان [illegible] و افتراق امت را
[illegible] و باقی همه [illegible] فرموده اند
و غیبت [illegible] امام دوازدهم حضرت [illegible]
صلی الله علیه و عجل الله فرجه را با امر الله و انتقام [illegible]
از ظالمین و پاک شدن روی زمین [illegible]
تمام فساد [illegible] شدن [illegible] عدل و قسط [illegible]
[illegible] اسما و ظاهر شدن برکات زمین [illegible]
موجود [illegible] ظالمین [illegible] علما
کانبیاء بنی اسرائیل [illegible]
[illegible] از جمله آن [illegible] اصل [illegible] افضل [illegible]

دائم هست خلفاء معصومین از آل و عترت او صلی الله علیهم

عبادات تمام انبیا و رسل و تمام خلق نخواهند کرد اولوا العلم اند

بحرمت و منبع تمام علوم نامتناهیه در تمام عوالم اند و در ذات جبر

اولوا العزمی با وجود پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله اند در باب اعتبار

شرع تمام علماء تابعین اثنی عشریه در مرتبه کبری از ایشان اند

و باعتبار حکم با مشاهده اولو الامر ایشان عامه تابعین به شرع شما

باشند او در شرع حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه

هدی عالمین به حلال و حرام و مستحب و مکروه و احکام

حدود و آمرین و ناهین عاملین معتقدین محض تقلید

محض در امر با ایشان از اصل صلی الله علیهم و سلم

است باشند باعتبار عموی ... چنانچه تمام ...

در طریقه فرقه ناجیه ازین امت از جانب ایشان صلی الله

علیهم ... معتقد ... از جانب ایشان

بوده اند و در بیان تلبیس و اطاعت در امت باشد و

و اطاعت در امت باشد و چنانچه ذکر اصحاب ابن ... از

و اطاعت در تمام سالیقه ... سوء اختیار ... گردند ... از

بیشانند ... کرده ابلیس در بیعت با ابلیس ...

که خود شان ظاهر شد و معلوم کنند تا روز وقت معلوم

چون مطلق کفر و اطاعت کفر ... بخصوص ... نعمت

فصل پنجم در خصوص ابلیس و ذریه ابلیس ...

چنانست چنانچه مخفی نباشد که ابلیس لعین قبل از خلقت

آدم علیه السلام شاید بخوبی دو هزار سال عبادت

خدا کرده بود و چون که به سوء اختیار خود سجده نکرد

آدم علیه السلام کرد که رجیم و از اهل جهنم شد ...

عبادت کرده بود ... بنای خود ...

تا یوم یبعثون خواست ... کرد ...

شده ... باشد ...

الوقت المعلوم ...

که لعنت ابلیس ...

خاتم انبیا الی آل محمد صلی الله علیهم اجمعین بعد از هفتاد

عشر قبل از رسالت که الحمد الله از ختم دنیا هست تا روز دنیا

بآن مفضل که فرموده که بهشت بشود و استفاده از

آتم لولا آخر الزمان بیست و صد هزار سال بعد عمر دنیا

از حضرت آدم علیه السلام تا ختم عالم تو کلت علی الله منجم

بگویم شاید نظر مبارک خود سموات و ارضین حضرت

امیر المؤمنین صلی الله علیه در حصن خود ش اثبات

نتها خود شان این کلمه کتاب خدا که فرمود با ابلیس

لعین فانک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم که ابلیس لعین

از این الیاس ... کرده پوشید در عملت خود ... کشید

و مردم هر یکی لباس یکی از شیاطین اولاد ابلیس در آمد

... ابلیس ... را با ... خود شان

... شد ... پوشید و هم

... و ... لعین که رسید خود

در

تصرف و تحکم کرد ابلیس لعین عین ذات خود را در ذات

یزید لعین بر جهم مسکوت ... با بعد ... مثل او

... با حضرت ... ان کرای حضرت صاحب عجل الله فرجه

که ... کرای غیبت آنحضرت صلی الله علیه ابلیس لعین

لشکر کرد با شیاطین اولاد خود ش دیوانه وار در جهان

این دوران ... کار پیشینیان افتاد تا ظهور حضرت

صاحب عجل الله فرجه بواسطه ... جامعی از خوب

خدا مطهر ... ظهور کرده و باشد تا زمانیکه حضرت

رسالت پناه صلی الله و آله ... برابری نازل شود

با ... ابلیس لعین ملعون

همه کار ... با حضرت امیر المؤمنین و انبیاء و مرسلین

و اوصیاء ... صلی الله علیهم ...

مشغول ... ابلیس لعین ... ابلیس

موجود ... هزار سال در ...

همه

همه خلفا بوده کردند که یکی از اسماء ابلیس نهبله بن عجید
و شهادت داده اند با دبنی آدم و ظرفکه هفتاد سال بوده که بنی امیه
اصلی شجرهٔ ملعونه در فضلات خود شان جریده اند
و از امیطرف بر حسب ابتداء و انتهاء نشر بوده بصفاتی ما قبل
هرچند از کافر هار به بوده اند اول تا قابیل فیما بعد
از بنی العباس این صفات و هر چه شده و لیشوند از معز [illegible]
هر دو طرف تماما بنی امیه نوعی خواهند بود و من تشبه بقوم
فهو منهم جزویه [illegible] این در اغلب [illegible] منافی [illegible]
بصیر و بریت لعنت خدا بر همه اصلی و فرعی [illegible] مدام
باشد چون ابلیس قسم خورده [illegible] بنای خود مردم
اغوا کند [illegible] و جهنم را از او و تابعین او
[illegible] که [illegible] باید از [illegible]
[illegible] باشد [illegible] سال [illegible]
بلطف خدا [illegible] چنانچه [illegible] دین حق خود

در باره

درباره این مردم چنانچه وضع کرده که از اشعه بر سفر او خدا
بوده است چنانچه همه [illegible] حکایات و قصص [illegible]
و انداد احکام و مصالح و مفاسد اینچنین بوده و هست
[illegible] ابلیس واضح است از خطرات [illegible]
که شخص [illegible] این است و از آن [illegible] از آن
[illegible] شعور [illegible] صبر [illegible]
شخص [illegible] رسول الله [illegible]
او داده [illegible] کردند که ظاهر [illegible]
از افراد انسان نوعی [illegible] مولای [illegible]
امیر المومنین علی [illegible] و اولاد اطهار و ائمه ما صلی الله علیهم
[illegible] دنیا و آخرت [illegible] بفضل خدا
[illegible] شیطان از جمله [illegible] که [illegible]
باید شخص دفع کند و ملتجی [illegible] صلی الله علیهم نبوده که
[illegible] صلی الله علیهم [illegible]

در اینجا خود تر با اخر نفس باند صلی هذا تصدیق شخص خدا
و در حول او در وجود ان لیس است که باید با موصوف
ایمان شخص زیاد تر بشود بس با امتلاء عالم از سفر فتنه
جنود ابلیس به نحوی که بیش در تن زمان هر ایک
از اولیاء خدا صلی الله علیهم به طریقی از جانب
خدا کردید در ان طریقه هر چه او دانست تحلو
و صفات به نحوی در جهان عملت ابلیس و
چنین زمان سوء اختیار مردم شیاطین جهت
بانها تمام شده دانسته بوده هر دیده
سعی و کوشش را تمام نموده کوشیدند تا دین خدا را
معلوم کرده بر یا اشکار اصریع در شد در ان مردم
و صفات بعد از ان بقیة الله الشان صلی الله
علیهم معصوم بر روی زمین بی در ما بینا ایستا ظهور
در جمعه و بر مردم لازم کرده بلکه کوشش کنند

خود شان را بان دین حق برسانند به نهمند بتوان کنند
و خواستند خود شان را اعای و عمل ابدند در دره کوتاهی
مقصر باشند پس در هر زمان که حزب خدا از تبعی روی
زمین از ادمیین موجودین جمع شدند در رکاب
داعیان حق جنود ابلیس را از روی زمین برد اشتند
و هر وقت کثر کردیدند به اهم با فهمید نحو بر کشتند
و از اصلاب انها در ایشان ما تحق مومنین حاصل شدند
در جمع ابلیس کرد بند نه داعیان حق در بقیه و حکمت داده
رشند و جنود ابلیس خود شان همه یکرد اتمام کردند
دنفی بعضی از افراد بنفرین و نفی همه در صورت خالی بودن
اصلاب از مومنین و هم چنین امده و اخبه بالفعل است
رسیده و برسد تا بیکبار از حزب خدا پیدا شوند و صلاة
کو با از مغایرت خالی کرده حضرت صاحب العصر و الزمان
موجود غائب صلی الله علیه و عجل الله فرجه ظاهر شود

و انتقام از جنود ابلیس بکشد و وجود اقدس مبارک او صلی
الله علیه و عجل الله فرجه جوب غالب کردند و زمین را
از کفر و شرک و ظلم و جور پاک فرماید بقسط و عدل در عالم
پر کردد و قرآن جمع کرده امیر المؤمنین حضرت علی صلی الله علیه را
در میان مردم منتشر فرماید و ابلیس لعین مخذول و منکوب
بماند باز تفصیل اینکه خبر داده شده ایم تا بحث و تفاصیل کم
بشود در آن فرموده اند اینکه استقرار حکم عالم از هر جهت
بلا واسطه با آل محمد صلی الله علیهم بر حسب تاخیر کردد خواهد
در تمام اهل عالم باشد جرا که بامر معصوم بعد از این
امت جنود ابلیس بوده سعی در خودشان از هر قبیل کفرا
با باطن و باطن خودشان کرده اند و غضب خدا را او
کرده تا جنود حق پیدا شوند واضح اند اینکه شده اند از
جز ... اکثر اهل جهود این امت تابع هوای
نفس و اهوای خودشان در خلافت کوساله و سامری پرست

شدند تا مطابق ... در حال یهود بودنشان صورت
نصارا با اخبار خودشان هم باشند که نصارا چهار کتاب بست
از بعضا و بعضا ... و فرقه نصارا دارای این اسم
جان چهار کتاب از مالکی و حنفی و حنبلی و شافعی ...
تا بر طبق ... و ... و شداد و نمرود و امثال
اینها السبیل که بعد از اعصار از هر طبقه ... پیغمبری که
فرستاده شد جز اینها سبب ناشناختن عصری که از انبیا پیغمبر
خودشان را شهید کرده پیغمبر دیگر را خدا و فعل ... به
باز فرستاد و همچنین تا ختم پیغمبران صلی الله علیهم که
اعدا قاهر غالب بر تمام اهل عالم کردانید و بعثت او در
چهل سالگی قرار داد که با بیانات بسیار شاید از جمله این
چهار جهت نیز باشد یکی آنکه از اعراب سخت تر که خداوند در حق
ایشان فرموده اشد کفرا و نفاقا در جمیع بواعظ خودشان
دانه ... صدق و حقوق ... آه ... اوام

چنین خصایص وخصال انبیاء ورسل را از او صلی الله علیه و آله

به یکبند چنانچه همکی او را صادق امین تربیت می نامیدند

دیگر آنکه هرچند در اصلاب آبا که نسبا بسلکی ایمانند

شامل باشد خالی کردند دیگر آنکه حزب خدا بر یکبار

جمع شوند خاصه حضرت علی امیرالمؤمنین مولای ما را

صلی الله علیه فظهور باید و بیاری او یوسف و دیگران

معجزات از بعد تولد تا روز بعثت نقمند که همه جنین

شود تا به بعثت هر که با اختیار خود شرایط انسانی ...

ودین ودنیا شمیدن ایمان بیاورد و هر که بخلف ورزند

جاحد ملحد باشد حزب خدا را بحکم خدا بحکم حضرت

رسول صلی الله علیه وآله بر شانه خود برشاند حزب خدا

بوجود آید و او صلی الله علیه وآله بر جنود ابلیس لعین

غالب کردند دین حق برپا کردند مفهوم است و دایم

آنکه خداوند خلفاء از جانب خود شرها خودش ...

شاد ان انبیاء و رسل از برای ختم بعد از همه پیغمبران خودش نوایم

العلم در هر عصر او الکرم خاتم النبیین صلی الله علیه و آله

اوصیا از آل و عترت او معصومین منتقبین ارباب

مطهرین تا در بین اوان سموات و ارضین و لاعولج

عالمین و قلب سبب بقاء عوالم مکون منکوتین صلی الله

علیهم منصوب فرمود بر هر یکی که مثل انبیاء سلف

در این امت آن حضرت ظاهر ما حیثکه شهید کردند دیگر

از انبیاء خداوند جل شانه بجای او ظاهر شدند دهم

چنان تا ختم خلفاء که او را خداوند عالم قاهر غالب مثل

جدش بر تمام اهل عالم و منتقم از جابره اولین و آخرین

ظاهر سازد که کو شاه و شاهد در این امت معلوم

شود و فرمایش حضرت خاتم خلفاء صلی الله علیه

و عجل الله فرجه بفضل تا بعد ما بید بود رخت هر دو را

او بوند و تا رسد با آنکه بار رخت هر بعید البروز است

و همچنان شداد و فرعون و نمرود و امثال ایشان بسیار در این
امت نیز واضح شدند زیرا که افراد امم سابقه
با عمرهای دراز طولانی معهود که بوده اند و اینها
در این عهد با عمرهای بسیار کم و کوتاه زیاده از آنها
در عهد شدند و بسبب اسبابی که از آن فی الجمله ذکر
شد که سالها و ماهها و شبهای این امت مهلت داده
شده اند تا ظهور خاتم خلفاء آل صلی الله علیه و علیهم
فرجه که سالها بر شمار را با تمام با آنچه خلاف حق است بکشند
و تمام نمایند تا عالم از ظلم و جور پاک شود و نور الهی
منور و از عدل و قسط و نعمت و برکت و رحمت با این
تفصیلها که فرموده اند که در کتابها مشروحا نوشته
شده و حضرت ائمه ذکر کرده بعد از ظهور باشد تا در
حضور و شأن صلی الله علیهم و اسفر از تمام عالم در
کمال تمام تمام ایمان بدولت هشتاد هزار سال ایشان

صلی الله علیهم علی ظهوره از آن معلوم کرده اند اینکه تمام
کافران و منافقین تنگی بی قراری عادت احادی و ریشه و تنه
و فروعات شجره ملعونه خبیثات هشتاد سال ظرف
کفر و جفا اختیار شان در ظلم و جور گفته شوند و
مؤمنان اولاد در سمای ثابته فرعها الوف طیبات
تمام شجره طیبه عالیه هشتاد هزار سال همه ایمان
داشتند در عهد عدل و فضل و شکر حقیقت ثابت
خواهند تا عاقبت کافران در جهنم بعذابهای سخت
بسیار تنگ بود مؤمنان در بهشت جاهای آسمان و
اسباب نیکو و حسن بالالتزام خواهند بود و این امر
حیثیتی متوسل باین سوره مبارکه کرامت عزت و جلال و بقای
سلطنت تمامی جلال و کمال که از آن مشرفیم و مصاحب آن
در دنیا و آخرت متوسل هستیم ابدالابدین و الله سبحانه
هو الرؤف الکریم العطوف الستار العظیم بسم الله الرحمن

رحیم انا انزلناه فی لیلة القدر وما ادریک ما لیلة القدر لیلة
القدر خیر من الف شهر تنزل الملائکة والروح فیها
باذن ربهم من کل امر سلام هی حتی مطلع الفجر و از خداوند
مسئلت مینمایم تعجیل فرماید در ظهور و طلوع صاحب
ما و صاحب عصر و زمان صلی الله علیه تا تعجیل باشد
در فرج عظیم ما و در ظهور او صلی الله علیه و همچنین
بعد را تفصیل فرموده‌اند و از فرمایشات خود شیخ
و علی هر دو را یکی این امت خواندند که علیه اسم مبارک
هر دو بعلیا اسم مبارک در بهشت در یکجا چنانچه انا مدینة
العلم و علی بابها تا آخر فرمایشی که فرموده‌اند و هم
چنین بسیار و هیچ چیزی باقی نگذاشتند و حضرت
امیرالمؤمنین علی صلی الله علیه را در غدیر خم خلافت
از جانب خدا نصب نمودند و بیعت کردند و عقد برادری
خود را با او بستند و مردم سفارش قرآن و عترت

خود را نمودند و وصیت بمحبت تمام اهل البیت مردم نمایند
و حجت کبری آن مستقر با اتباع ایشان سعی نمایند
دولت و صحیفه طلبی نمایند بعد از آنکه اصحاب
و اتباع ایشان فرموده‌اند چون بالفعل آن کلمه کفر از
بدی آنکه ایشان را بالحق واشنیدند آشکار شد و همه را
بر بهشتی از اهل بیت نمودند کردند دولت و صحیفه دیگر را
حاضر کرده‌اند و از مردم و عقیده ایشان معلوم است
آنکه قول ایشان الحق آنها که معلوم شده کارهای مخالفین
و هو القیمه واضح نوشته کرده که الکفا کو دیدند و همچنین
اسم طلب مردم تمام شد دولت و صحیفه دیگر را
نه صحیفه است بالفعل در عالم و همچنین آنکه
عالم مبارک خود شان شرف فرمایند
از ایشان فرموده‌اند از روی مردم بر دار
شد آشکار شد چون در و رسالت ممکن هیچ

بشان

احدی هیچ حرفی هیچ جنبود لهذا مخالفت را در اختیار خود

خلافتو اگفتند با آنکه خدا فرموده ولو اتبع الحق اهواءهم

لفسدت السموات والارض ومن فیهن بل اتیناهم بذکرهم

فهم عن ذکرهم معرضون منقلب بر عقب او شده اند و

پندکه بتفقت خداوند خالق بوده کردید منافق

ومرتد شدند و حال آنکه بالضروره مسلّم است که باید

پیغمبر و خلیفهٔ او معصوم از ذنوب طاهر از عیوب

اشرف در حسب و نسب منظور بودن خدا باشند که اگر

معصوم نباشند مثل سایر مردم اند مقبول نخواهند

بود و مرتبت برد بگران نخواهند داشت بر خدا حجت مردم

در هر باب روا باشد که در پیغمبر چرا باید او پیغمبر باشد

و ما مثل او هستیم نباشیم و در هر باب لازم میباید از مردم

در هر شانی با اصل کلیه که عدم عصمت باشد بر بعض

خودش پیغمبر باشد و خصوص نسبت با فراد مخصوصه خصو

بدا

بید امیکرد و نسبت دروغ دادن باو روا میکردید و اگر

طاهر از عیوب نباشد هرگونه از امراض را که مناسب نبود

نسبت باو دادن روای بود و حکم او بر مردم نرود ایمیبود و اگر

او اشرف نباشد امتیاز ذاتی نمیشد و اگر نظر او

بودن خدا نباشد او واگذار اول شرکافر و سجده بت کرده

بود شایسته عقلا حکمت شرعا عرفا نمیکردید برادنی تران

مردم بعینه که در عهد منظور بودن خدا متولد نشد اند

و با در پیش که بودن خدا متولد شده بوده اند و ایمان

آورده بزندگی کنند همچنین خلیفهٔ او مثل او فرقی ندارد

و از امتیاز پادشاه رعیت بر فلان عمل نسبت بر عیبهای

خودش نبوده او اولاد اینها و امتیاز پادشاه فاجها

نسبت بایشان و همچنین که قرار داد خدا است امتیاز

قرار خدائی را نسبت بتمام خلق خدا از برای تمام خلق خدا

در سموات و ارضین دنیا و آخرت ابد الآبدین بفهم چنانچه

ابدا

انبیا سلف علیهم و هر پیغمبری منصوب از جانب خدا بنص خدا کرده

و مردم هیچ عصری خدا نبوده اند ... از برای خود نصب کرده

معزول نکرده و معقول و باختیار مردم کار خوانده خود را

و انکه امت در حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله در زمان

آنچه در امم سابقه شده در امت من خواهد شد که عدد نفر

صیه قند و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان

مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن

یضر الله شیئا و سیجزی الله الشاکرین و از ابن ابی عمیر است

که بعد مرحوم و اصح هست باب مدینه علم را واگذاشتند

خلاف بیعت و وصیت پیغمبر نمودند و مخالفت برده ظاهر

در عالم کشید ... معلوم شد که خدا فرموده اند

ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان

یوصل و یفسدون فی الارض اولئک هم الخاسرون و در همه دنیا

بوده هر که قائل بامام منصوب خدا نبود که عالم بتوحید و معرفت

و طاعت عبادت او بجا است تا شکر نعمتهای خدا خواهد

بود زیرا که خداوند توحید و معرفت خواستن خود را

بسبب قابلیت شخص امام منصوب در عالم خوش تر نموده

و مردم را امر بمتابعت و متابعت او فرموده است تا اطاعت

و متابعت و قبول انچه فرموده است که او را دوست میداشته

بعضی عالم از برای او هست موحد باشند و خود بعضی

در مابعد افتادند تا زمان حضرت سید الشهدا امام

حسین صلی الله علیه با ایشان گفت و عده کرده که سلطنت او و صلی الله

اختیار مرد در خلافت باطل کرد و واقع شد که ...

شانی شد و کردن سید ...

صلی الله علیه و آله خاص اصحاب کسا صلی الله علیهم باشد

حال عقلی است امر خلافت در اختیار مردم نبوده ...

هیچ ممکن نیست باشد هر کس ...

که اختیار مردم در خلافت که ...

کـ نفس پیغمبر از این بالاتر چه خواهد بود که نفس خود را بالله که خدا از بد جل

و علا دارد از نصب خلیفه از برای خود بر بعدی که همین صورت

مطابق شد با اختیار چنین مردم بگویند تا تجوزی نفس اماره

خود شان باشد چه باختیار خلیفه از برای رسول خدا را

ما بشند دیگر باختیار خود شان ذات مقدس رسول خدا را

شهید کنند که حضرت امام حسین نفس حضرت رسول صلی الله

علیهما و آلهما است خاصه بقرات بعد از شهادت امامت

خود بدیده بار [illegible] فرزندان خود را از جانب خدا معلوم

داشت و فصل ششم از اسرار و در بردن حضرت طیبه

طاهره از کربلا تا بشام [illegible] ممکن نشد جز با تبیه خدا

شهید که اهل شام را که جمعند در این شهادت ان خدا بر تمام اهل

عالم در هر جزو تجویز تمام شد [illegible] بواسطه اخبار انبیاء

و رسل و اوصیا موافق کتب سماویه بر وقوع این شهادت

مطلقاً تمام خدا بدل رحمت ابن شهید در توسل انبیا

مبارك ابن شهید و توسل اهل درد عوام خود شان [illegible]

با ابن شهید مطلب شفا از خدا بند حقیقتا امت [illegible]

شهید با اخبار حضرت موسی و حضرت علی هر یک با سند

بعد از خودش و [illegible] خاتم صلی الله علیه و آله در

علیهما در هم چنین عبره بسیار مثل عیسی کودک [illegible]

جاماسب و حکایت ابو عبیا و بلوهر پیشانا ذکر بر مردم [illegible]

طلب کنند و حق را بیابند خاصه در این زمان خود مان

ملاحظه [illegible] دیر رفته اینکه واضح است چه که ممکن

باشد این همه نفوس را [illegible] و [illegible] گذشته عالم بی بدیع

در [illegible] خود بی مصطلح باشد با حاجت همیشه عالم تا

مخصوص مخصوص [illegible] از [illegible] سلف

پنهان مطلق [illegible] و آبید این شرح [illegible] و اعظم

عالم در آن معلوم و از آن آشکار است خود [illegible]

عصر پنهان موجود صلی الله تعالی علیه و [illegible]

عالم اصغر با عالم اکبر شود که حجة روز بروز بعدی ملحوظ است خویش
و با این در آن گردد و هر چه غیبت طول کشد زیاده باشد (مسلط الهی)
کرد اورده واضح تر گردد در تمام مدت طولی که شنود هر چه بگذرد
عالم وجود انقدر بعد مبارک منبر او در ارواح خود زیاد با ضم
منبر آن حضرت صلی الله علیه ... صاحب پیغمبر او
صلی الله علیه ... خلیفه ... ابنا امت باین شهادت
و غصب مانند ... از سب مردم و غصب کردن دیگر
چرا غصب اگر با مردم در خلافت ... گفتن کسی نبود باشد
... ابتدای هر طلب که مفتوح و در رکوعی بالتمام مقصر
خواهند بود که باین خلیفه واضح شد که امر اعظم شد (مصائب)
که حضرت امام حسین صلی الله علیه ... در مظهر
ظلم و جور ... بالای سرهای مردم ...
در غصب خلافت ... بوده و هر انتظار ...
حق را نیابا ... اشتباه ... آن حضرت صلی الله علیه ...

اهل عالم شده بعالم ظهور ان شاء الله و هر چه با سرگردانی
افتاده با استقرار عالم جهت امام عدل ازو باشند که چه
استفاده این امر است خود ملائکه با احاطه دائره تمام
عالم را اگر به اشتغال دعا است بر ملعون لعین شیطان
یزید و ابن ... معروف و امثال و اتباع او شده روز
باشد انگاه باندازه که باید و شاید از برای امام
عبد جاری و ساری گردید هم چنین در غصب
خلافت از امای قدر شهادت او معلوم چنانست
و حسب و طبع اضافه شده اند مشغول اند والله العالم
همگی در انتظار ظهور حضرت صاحب صلی الله علیه و
علی الله فرجه میباشند که انتقام کشیدن او از دشمنان
خدا و چاره اهل عالم معصومین باقامه عزا و گریه از
برای آنحضرت صلی الله علیه در هر نقطه که مشغول
شوند تمام عالم را در لباس که سیه بگیر فرج باید همه

نموده بود تا محبت خود آنحضرت صلی الله علیه ارزقنی الله
طلب ثاره بمقه وکیفی من النصاره وخواص اذفاته
بفضله وهر که خود را بخصوصیتی در رحمت خدا بجواهد
باید مستمر در لعنت بر یزید لعین پسر معویه و امثال
او و اتباع او خود را مشغول سازد لعنة الله ولعنت
تمام خلق علیه وعلی امثاله اتباعه که در شهادت امام علیه
السلام الصلوة قلب تمام عوالم امکان محزون و تلف
تمام خلق از فوق العرش تا تحت الثری است و فرد فرد
همگی خلق اهل قصاص و نقاص است از قاتل و اشاره
بان هست در روز یاد شکه هر یک از مؤمنین در عقب
زیارت بخوانیم اللهم ارزقنی طلب ثاری مع امام
مهدی صلی الله علیه وعجل الله فرجه از باء نسبت
ثاری معلوم است و همگی را واجب است لعنت بر قاتل
چنانچه تبری واجب است و آن عبادت بسیار بزرگ

در همگی تقرب بسوی خدا سبحانه وتعالی و اسباب عمده
است در فرح دنیا و آخرت با شتغال شب و روز که
عالم مثل اینکه دو باره از برای امام تعزیه بجا میشد
و معلوم هست عذاب قاتل در ما ملاه بعمل خودش
بقدر تمام اهل دنیا است بسنگینی اسمانها و زمینها
عدد دنیا و آخرت است و یاد کردن او تمام گناهان تمام
دوستان امام علیه الصلوة والسلام است لعن و
سلامتی بلفظ این اثم و اشتغال این اثم هست
باین خبرها بدء مؤمنین واز آن غفلت نباشد این
لعنت الله علی الکافر ابن یزید بن معاویه و امثاله و اتباع
والمائلین الیه والراضین بافعاله الشیاطین فی
اسفل درکات سجین اعدآء الله عدد ما احاط به علم
الله علمه سبحانه ذاته الذی لا شبه له متصلا دائما
لهذا در عقب هر یک کلمه بدون واو عطف بگوید

سلام الله علی نور الله الحسین بن علی امیر المؤمنین و
جدّه و ابیه و امه و اخیه و ذریته و بنیه و اهل بیته
و اصحابه اسماء الله فی اعلی علیین اولیاء الله علیهما
احاط بهم الله علمه سبحانه انه الذی لا شبه له منصاد اتما ابدا
همت نموده بعد از خصوص رسالت پناهی بتعلیم در میان
از برای اطاعت امت ایشان را گذاشته یکی عترت
که همراه اسم اعظم محال همره خداوند سبحانه جل و علا
با معلوم شد از بنای مردم ناشهادت و دیگر قرآن کتاب
اعظم خداوند را صحبت سوزانیدند و چه مثل ولید بن
عبد الملک پلید بیر باوان کردن که تمام آن مسند بغداد
اختیار تبه مردم و اجتهاد در شرک و دشمنی و دعوای
با خداوند سبحانه و تعالی و جمیع اللئیم لعین مردم
شیاطین آن مذهب اختیاری آشکار نمودند از این بود
که متعصبین قائم را در راه حق گذاشته محبه الله و منه

شیعه بسیار شده و میشوند تا ایام شاید زمان تعلث
و رسیدن زمان ظهور و بعد از رجعت یا اینها یا آنها
شیعه باشند و معنی عقلی قبول اقوال عترت طیبه
طاهره خلفاء خداوند و ائمه در قرآنست و ولایت
و موالات ایشان صلی الله علیهم چه در اصول عقاید
باشد و چه در فروع آن زیرا که اجتهاد در اصول عقاید
این قدر است که خود را بمحض خدا برسانند که از روی برهان
وجود واجب را فهمیده و پیغمبر و ائمه را شناخته دیگر
تمام شده اقوال ائمه صلی الله علیهم اقوال خداوند
مشهوره طیبه است اند شمنان ایشان در مقابل نص خدا
باطل عاطل که نص سبحه جمله و شکر المحبرا این نعمت
عظمی ابدا به عوده تفویض و تسلیم با ائمه صلی الله
علیهم در کلیات و جزئیات اعتقادات و فروعات
واجب تا رعیت را توحید با ظهر انستکی حاصلنا

کرد دکر توحید ثنا تسبیح مخصص خلفاء خدا است ودر عجب

بالتسبیح اند بزبان ایشان صلی الله علیهم از فوق عرش تا تحت

الثری هر چیز ما و اخوت ملائکه و انس و جن و مطلق حیوانات

و نباتات و جمادات مقصد از آیه شریفه وان من شیء الا یسبح

بحمده ولکن لا تفقهون تسبیحهم معلم همین چهارده نفر

معصومین اند بتوابان ما ما صلی الله علیهم مثل

و علامه بن بن ناصر لنتم از این بوده که گفت تا بیاد

ثالث دواج متصحح که حضرت امام جعفر صادق صلی الله

علیه تلقی نمود از حضرت امام حسین صلی الله علیه و اهل

بیته و صحابه بعد کلمه دین ثالث ایشان حضرت رسول

صلی الله علیه و آله و دلالت هر یک ایشان صلی الله

علیهم بر تعداد هر حرفی از حروف کلمه طیبه مراعات

تا بعد از آن از باقی حروف بر حسب ذات هر یک ایشان

از اسم چنان مضمون در آن معلوم است اینکه مرحوم است

و ملاحظه را تمثیل شتر حرف اول احرف اول اسم است

در اول شتر حروف نیکو یک بید با انچه تعلیم است

و از هر یک از ایشان صلی الله علیهم که ببلادی چنان معلوم

مبعوث گردید بجز وقت تمام و صفهای مردم عصر هر یک از ایشان

بتفاوت اعمال و افعال اختیار به خود اندم گویا خبر داده شده

است تا ختم حروف ایشان آشکار است که ثابت است بوجود حضرت

حجت موجود صلی الله علیه و عجل الله فرجه جمیع ابواب

الهیه اقسام و انواع الطاف و مراحم در عالم مبارک ظهور

تام و تمام کردید تا ظهور حضرت حجت صلی الله علیه و عجل الله

فرجه روی زمین پاک گردید و اهل عالم در نعمتها بالتمام

تعطیل و نشط تام باشند محمد رسول الله محمد نبی و رسول

محمد نفس بالحق محمد هو حق الحق هر یک فقره دوازده

حرف است صلی الله علیه و آله و در خصاص لقب خاتم

المرسلین تعلیمات دوازده حرف است علی خلیفه الله

تولیت و خلیفه علی قائم بالحق علی هو امیر [illegible] هر یک
نقره دوازده حرف است صلی الله علیه و آله و بر حسب
اعتبار بینات و صفات بدون حروف علم کردیم [illegible] امیر
المؤمنین دوازده حرف است و با اسم فاطمه [illegible] جل و
علا [illegible] فاطمة کلمة الله فاطمتها ان الله فاطمه
زهرة الحق فاطمة هی المالکة موافق [illegible] کلمه طیبه
توحید است و کذا جلال الله صلی الله علیهما [illegible]
و بر حسب اعتبار الی الغیب ذات مقدسه طاهره
کبری [illegible] فاطمة الزهراء علیها
[illegible] فاطمة الصدیقة موافق [illegible] کلمه
طیبه توحید [illegible] دوازده حرف است و کذا نور الله
صلوات الله و سلامه علیها [illegible] باید دا
[illegible] او [illegible] باز
امام [illegible]

اند که عقل [illegible] در [illegible]
[illegible] دوازده [illegible] سموات [illegible]
[illegible] خداوند باشد [illegible]
جان رسید [illegible] زبان و قلم و عقل عاجز [illegible]
واضح خواهد شد و حضرت امیر المؤمنین صلی الله
علیه [illegible] سید اشباب
اهل الجنة از جد و پدر و مادر [illegible] اولاد طاهرین
صلی الله علیهم اجمعین [illegible] تمام ملک و ملکوت
لازم دارد [illegible] و واضح است که [illegible] حضرت صاحب
[illegible] صلی الله علیه [illegible]
که [illegible] امام [illegible] اسم
الاکرم امام حسن [illegible] حسن [illegible]
السلام حسن هو المجتبی هر یک [illegible] دوازده حرف است
صلی الله علیه و آله و کذا امام [illegible] ثالث اسم

جنب نزد اسبقه حسینی داشت بالحق حسین اما
بهیند حسین هو الاعلی بنا بر استقرا دوازده حرف
صلی الله علیه و آله و اهل بیته و اصحابه و در کلمه مطلوب
الله طالب دوازده حرف است که مطلب البنان صلی
الله علیهم جمیعا بجمیعها در بیان بحفظ حروف کلمه طیبه
طالبه لا اله الا الله تا امام دوازدهم سمی الحجة که حضرت
امام موجود حاضر در امصار بیضاست از انظار بقیة الله
با اسم مبارکش دوازده حرف است صلی الله علیه و جدّه
و آبائه و بیان مقصود محض تطبیق حروف و عدد بلست
بالا انکه معلوم است نسبتا الی ما شاء الله تعالی منظور
اصول و جوامع است که حروف لا اله الا الله صلی الله
علیهم بحول سال مدار عالم و ساعات شب و روز
و هم چنین مدار تمام انجم خیر است بقاعده در شش
کشف دهم بر حسب مرکز حقیقی از حروف کلمه طیبه در کل

جامعه شجره طیبه ثابته و چهار دو پنج حرف در ...
اسم ترکیب در وجود ابنیه هر حرفی از این سه قسم که مرکبا مشتق
از اسم جلاله و کلمه داشتن تمام اسماء عظام و اسماء حسنی در مرتبه
تمام کرد حروف از اول حروف کلمه طیبه و در حروف هر دو کلمه
کلمات کلیات الطاهره اسماء مبارکه صلی الله علیهم و
آخر حروف با تمام ما قبل طالکی جریان و لایت ایشان
بجمع صلی الله علیهم مفهوم اسم مکنون سبحانه جل و علا
لا یعلمه الا الله و الراسخون فی العلم و هم هم الراسخون
صلی الله علیهم من الله و حرف اول کلمه طیبه با حرف آخر
کلمه طیبه از برای آنکه همه را بوحدت بر هم که نفی لا
مشود و همه احد نشد از برای خدا و مانند در راه
او سبحانه موجودات خاص محمد عبده و رسوله و آل
الطاهر معصومین او بیاد صلی الله علیهم لا شریک
و لا شبیه لهم در اصطفا کشف را انحصار فرمایند

[illegible]

و در ملفوظی الله حرف اوّل هفت اول حرف اول هفت
با حرف آخر است در برهان از انوار لطف در ذهن که
خارج از تحریر و تقریر است بر حسب وسع خود این ائمه
اعداد مختلفات بورق لایح و مطابق کردید بیان
اجمالی هم از آن مقصود داشت نوشته بدست دو من
املاء و بنوشتن بدست داده است شاید از برای کسی
بلطف الهی بشود تمام نماید و واضح تر و بهتر بیان
نماید مضمون و بیان مفهوم آن و بنیاد مثل الله که
صفات واحده و طینت واحده و نور واحد تند منور
سموات و ارضین و آخرت ابد الآباد بن الله نور السموات
و الارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح
فی زجاجة الزجاجة کانها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة
زیتونة لا شرقیة و لا غربیة یکاد زیتها یضیء و لو لم تمسسه
نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء که ائمه اند

اثنا خداوند علی اعلا خالق تمام انجم در بروج سماوی
و بروج و منزه از کم و کیف تمام انجم خلق کرده است جمیع
نجوم بالذات است بتمام آن بالتمام و بالتمام تمام آن غیر
او نیست سبحان است لا اله الا هو پروردگار محمد علی
و آله الطاهرین صلی الله علیهم پروردگار عالمین است و حده
لا شریک له و اسم و لا یتنا شان صلی الله علیهم اسم
اعظم خدا که از اسم ذوات ایشان نور سموات [illegible]
که چهارده نفر ایشان صلی الله علیهم شاید با سطور
باشد اسم برده شده اند در این آیه شریفه مبارکه که نور
اول این آیه شریفه مبارکه حضرت رسول صلی الله علیه
و آله النجباء در نور لعزا این آیه مبارکه مشیر حضرت
محمد صلی الله علیه موجود است عمل الله در حقیقت خداوند
سبحانه شود سموات و ارض است خالق است گویا این علما
معلوم نیست شریفه است چنانچه قوام عالم براهین

محکم

حکمه عقلیه هر کس مطلبه بر مبین و حق مقصد الهیه
شریعت و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا بوجود هر یک
ایشان صلی الله علیهم بر روی زمین واضح است و باطن ائمه
شریعت و باطن باطن و هم چنین خداوند فضیلت هر یک
ایشان صلی الله علیهم را که آسمانها و زمینها از تمام دنیا
دانسته بی انتها و اعظم جواهر است در تمام انبیا تمام فضیلت
هر یک ایشان صلی الله علیهم تا آخر ایشان که بالفعل عالم
بوجود مبارک او بر پا داشته است تا آنکه هر در فضیلت
هر یک ایشان صلی الله علیهم که عالم با این عظمت از برای
هر یک ایشان صلی الله علیهم بضرورت وجوب بر پا است آخرت
از برای همه ایشان تمام دائم الی الابد است همین دلایل جهت
گفته شود در فضائل تمام هست ختم این دوازده و چهارده
ایشان صلی الله علیهم بر چون بعد از او پیغمبر و امامی
نخواهد بود لهذا جهت حفظ او و حفظ عالم بوجود مبارک

او

و از شهوای مردم غیبت از شناختن مردم او را الا
اهل کو با از جمله تا اصلاب کفار از مؤمنین خالی گردد
و مخصوصین انبوه کان اصحاب و سیله باشند نوبت
ظاهر شود

فصل هفتم در بیان تکلیف بوده

و بالفعل کما فی السابق اعمال تمام عباد در عمل بنص قرآن
معلوم که فرموده قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم
اله واحد فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا
ولا یشرک بعبادة ربه احدا و بیان اصل در عمل صالح
آنست که فرموده امام و مردم را آگاه کرده اند یا منکر شرک
عبادت بکنند اسم خدا را با مسمی که خود ذات منزه از صفات
لذت و صفات است او مشرک است که اسماء خدا با الهام مخلوق نیز
خدا است و سلب مرض او و عباد او هست که خود او سبحانه را
بان بخوانند و خود او را که مشغول شراری ببینند محیط
بجزئیات و کلیات غیر همه اشیاء بلا تشبیه است عبادت

و داعی بعید شرح دعا شد لهی همچو جماعت خواهند

هر که عبادت بکند شیئا آن اسماء را موحد خواهد بود علی قدر

این مطلب که هر نفسی بجا داشت بنا عباد کلهم خص

خواهد است تعبدکم او سبحانه اقرب از حبل الورید دانی علیم

سمیع ناصر بالذات اولا وثانیا قوله لا اله الا الله الذی خالق

کل ترکیب معقود معقود موصوف موجود غیر نامیها

منزه عن جمیعها لا یشبه شیئا ولا یشبهه شیء رب

و دین ائمة الطیبین الطاهرین صلی الله علیهم اجمعین

رب العالمین وحده لا شریک له احد صمد لم یلد ولم یولد

ولم یکن له کفوا احد و با اسماء شد و نامها کل شیء هو محیط

شیء ... الاشیاء کلها غیره کما قال صلی الله علیه فی خطبة

... کل شیء لا بمقارنة وغیر کل شیء لا بمزایلة لقوله لا

بیانا باسمه الذی عند معصومه ابنائه المعصومین صلی الله

علیهم ونقولنا منهم فی کل شیء من التوحید الی التخلید

ذلك

ذلك هو بنیانا عند نسخنا الثنا سمیانی و واضح است که عالم

متغیر است و متغیر حادث است و حادث شده را احداث

کننده قدیم و واجب بالذات است و آنچه در تمام عوالم است

محتاج است در ذات و صفات و بعلم و قدرت و بسمع

و بصر و همچنین سبحانه غنی است بالذات علم و قدرت

و شنوا و بینا و حکمت و عزت خودش که شبیه ندارد

و همچنین هر چه را که بتوان ضد او و انسب یا ورداد

تمام آنها خودش است بالذات بلا بعض و بلا ضد و ند و

بلا بعین نظیر و بدون آن معانی معهودات در جهان

خالق شناسائی خودشان خودش است سرمدی اول وبیه

آخر خودش است بالذات و در صفات افعال بدون

مباشرت حادث موجد خالق جاعل همه خلق است

دانا بالذات خودش است که تمام کمال و جمال است منزه

عیب النقص است آنچه خلق کرده است بالتمام و فقرا

و محتاجین

و عیانیان و ضعفا و عاجزین در ذات و در صفات اند که فقر
و ضعف و احتیاج و عجز همگی در ترکیب و در حدوث و در عدد
و در وصف است بحسب ذات و در صفات الی ما شاء الله
تا ذات خود غنا اعنی ذات او غیر علیه بلا شبهه وحده لا
شریک له خلق پیدا شد دیده نشود و شناخته نگردد ابدا
که خلق خود شان از اشنا سند و در فقر و احتیاج متحرک و مانند
اند بر خلق را این وصف خلقت ایشان بر ذات و ند
دلالت ذات خود نمود که بالاستلزام مخلوق اند و مخلوق را
خالق بالوجوب است و معرفت خلق نیز به خالق انتهاه
باشد که غیر تمام ما سواه هست که خلق خود شان از عجز و فقر
و هم چنین به ثبوت صفات شناختند و خالق را بعد
و علم و هم چنین بنفی صفات نه بیند و محیط مفهوم ما
ما سواه هست و تمام ما سواه غیر او بند قدیم الحی ابدی
علم ندارند شنوا و بینا و عین ذات او هست خود شناس

ضعف و عجز

و در خلق که به صفت و جنس و نوع و تشخص و تشخیص و تحدید
ستوده گر نبود که نه شناخته میان خود شان همه یکی گردد از
موری احتیاج هست و او منزه غنی غنی بالذات بلا تشبیه و
توحید او مختص دو تن هست ازان و نزد محمد و علی و آل معصومین
هر یکی ایشان صلی الله علیهم و از برای همه سوا الا ایشان
حاصل شود اشهد ان هذا لسابق لکم فیما مضی و جار لکم فیما
بقی نفره تمام مثبت با تمامی ما قبل این تمام هست که خلق یکبیه
هیچ چیز نه سند چه نتوانند بغیر دیدن آثار روایات
بغیر مستند جدا و نه خالق هست که عجیف نکنند خلق خود شان را
خود شان بجا نه می شناسند و خلق عاجز بغیر عجز هیئت دیگر
ندارند جناب حیزها پس است و لم یجعل للخلق طریقا الی
معرفته الا بالعجز عن معرفته و حضرت علی علیه السلام
بعد از عجز خود شان عرض کرده تعلم ما فی نفسی و لا اعلم ما
فی نفسک پس در خواهند تا بحر از حضرت رسول الله صلی الله علیهم

رسیده است بقصد عبودیت که فرمایش ایشان صلی الله علیهم در آن

جا نشده است که خوانده میکرده اند و اینچنین اگر خودشان صلی الله

علیهم بگفتن ان اذن داده اند بقصد مطلق قربت در مطلق

کرده اند از ایشان صلی الله علیهم در آن چیز رسیده هست و آن

ایشان صلی الله علیهم در خاطر خواهد بود در تمام آن امتثال

فرمایشات ایشان صلی الله علیهم بدل هر مؤمن بالله

هست و در عمل خود را بادب باید مشغول حسب الامر

ایشان صلی الله علیهم سازد و توجه مطلوب همین خواهد

بود و خداوند توجه را در قرآن تعلیم فرموده معلوم است مستحب

حسب الامر بعد از نیت تکبیرة الاحرام بما بخوانند انی

وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما و ما انا

من المشرکین ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب

العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا من المسلمین و تمام

دعیت آنچه را که فرموده اند تفصیل بتفصیل اعمال را

بجا آرد و باید بجای بیاورند که ایشان امر و مصلحت

صلی الله علیهم متعلمین ان عمل را ارند خالق و علیم بالذات تمام

علوم اولین و آخرین متعلقه بمصلحت و حقیقت عالم و بنا ولو آنکه را

و ما رغبت ما مؤمنین و ایشان صلی الله علیهم مقتدا

منصب خدا را ما هادی حقیقت مقتدی بر آن قول و فعل و عمل

و حضور و هیئت مخصوصه که توجه ایشان صلی الله علیهم است

باد و سجاد تعالی این همین است همه و حقیقت و محکم هست و غیره

آن باطل و کفر است و دلیل بر این نماز هست که اصل طاعات و

عبادات است بیان حضرت رسول صلی الله علیه و آله است صلوا

کما رأیتمونی اصلی فانه اجای بیاورید چنانچه دیدید بلکه من بجای

میآورم مراد معلوم است اتباع صورت و هیئت در نماز بجهت

باد و باد چنانچه طاهر است معصومین او صلی الله علیهم و

مجموع آنها نیست باطاعت حضرت ما برداری است اذعان به

تصدیق بمجرد بجای کنندی چنانچه خداوند سبحانه خطاب

در این زمان حضرت صاحب عصر غایب منتظر بقیة الله وا
از ایشان صلی الله علیهم تا مردم از آنانکه من مات ولم
یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة نشوند و از ایشان
صلی الله علیهم قبول کنند و بفرمایشات ایشان صلی الله علیهم
عمل نمایند چنانچه فقره زیارت من اراد الله بدء بکم و من
وحده قبل عنکم و من قصده توجه بکم دیگر حاجت بذکر هیچ
ندارد و اقتضای مسأله را کفایت در این داشته بعض
کرده ایمان خودشان قبول داشته اند آنچه را که در ایمان پیغمبر
ایشان بوده منتهی شده آن در ایمان ایشان بوده علاوه هم
پیغمبری امت خود شرح جزو داده چنانچه در این امت ایمان ما
با ائمه ما صلی الله علیهم و بتمام آنچه را که ایمان ائمه ما
صلی الله علیهم هست ایمان داریم و در زیارت میخوانیم
انی مؤمن بکم و بما آمنتم به کافر بعدوکم و بما کفرتم به
و علاوه از جمله آنکه خبر داده شده ایم ایمان بتمام پیغمبران

و همچنین

و همچنین همه آنچه را که خبر داده اند و معلوم است که توحید
خداوند علی اعلا منحصر مختص مخصوص نزد ایشان صلی الله
علیهم هست و بین تا اینجا است که تمام عالم از عرش تا تحت
الثری بطاعت و عبادت و علم و معرفت ایشان صلی الله
علیهم و اگر تمام ارواح در جسد جسم برباد بالتمام از برای
ایشان صلی الله علیهم کشف باشد ببینند اصلا ابرار
و رهبران در آن دیده شوند و شاهد ها بخلقند و
همه خلق بالتمام بمتابعت ایشان و اقتدا بایشان صلی الله
علیهم و بقبول تمام آنچه نزد ایشان هست و معرفت صلی الله
علیهم است بولایت ایشان صلی الله علیهم و تبری از
ایشان موحد خواهند بود دلیل که ایشانند صلی الله
علیهم حبل متین و عروة وثقی و صراط مستقیم توحید
سبحانه جل و علا از عوالم غیب و شهود از برای
مردم و نجات مردم ایشانند اسرار و حافظ اسرار خداوند

و جهت

در رجعت و در محشر پادشاه و خداوند سبحان از ایشان صلی الله

علیهم کرد بد شرو نعمت جمله شوند راه سلامت را بمردم

نمودند و مردم را از راه زمین آگاهی دادند و خودشان صلی

الله علیهم مانند ند و مثل چاپان اند از برای جامعهای

مردم شریک و مثل و مثیل در اصطفا نیم و جبر نداشته

خوی ایشان صلی الله علیهم است فرمایش خداوند که فرموده

شده هست اینکه فرموده ولایة علی حصنی و من دخل حصنی امن

من عذابی که از فرمایشات حضرت رسول صلی الله علیه و آله

معروفست یا علی کسی خدا را نشناخت مگر من و کسی مرا نشناخت

یعنی بتو

مگر خدا و تو و کسی ترا نشناخت مگر خدا و من و در این

اختصاص اند صدیقه طاهره و اولاد او ائمه معصومین صلی الله

علیهم اجمعین چنانچه در زیارت است آتاکم الله ما لم یؤت

احدا من العالمین الی آخر هر که در عقب ایشان صلی الله علیهم

افتاده در راه ایشان صلی الله علیهم راه رفته نجات یافت

کرواضح است از جمله معلنی موالات ایشان صلی الله علیهم دوست داشتن

بودن و پیروی ایشان صلی الله علیهم نمودن و ایمان با نچه

ایمان ایشان صلی الله علیهم داشتن و بیزار از همه دشمنان

ایشان کردن همه را واجب دانستن باشد هر که از برای

ایشان صلی الله علیهم شریک گرفت مشرک شد و هلاک کرد بلد

دهم خبیثن اکر کسی برادعیه معرفت یکند خدا بی اشتباه مخلوق

بر سلطه مشرک است زیرا که خداوند خالق است خودش عالم بحقایق

کنه اشیاء وحده لا شریک له هست و خلق آثار و خاصیت ارباب

خالق ظاهر والآن بجانه و تعالی با آیت او جل و علا بعینه

شاید مشق باشد که در قرآنست فلا یظهر علی غیبه احدا الا

من ارتضی من رسول و آن رسول در کلی بر کل خاتم انبیا

و آل معصومین او صلی الله علیهم معلوم اند او ولد هم

و اینهمین موضوع تر بیست اینکه خود با تجمال تفکر مریا

در حقیقت کفر است ظاهر چار سلطه هست ندرت مخلوقه

خیال کننده مثل خود مخلوق باشد که او سبحانه منزه است از علم کیفیا
وکیفیات بودن از تمام اشیا و صفات تمام آنچه در ارضین است
وسموات است از اشیا و مفهومات و از الفاظ و موهومات
که با الفاظ مخلوقات او بیند و چون خلق با ایطوری باشند در معرفت
خارج از دو حد حد ابطال و حد تشبیه هذا اقرار بوجود اقدس
خالق بیتوم که خود شخص خلق خودش را میشناسد خارج از حد
ابطال است و اعتراف اینکه خلق خود شان را نمیشناسند
چه رسد بجناب او از خود شان در معرفت منزه که خود
خودش را بشناسد شناسائی خودش خودش باشد بی
حد و حد بی عدد لا شریک له که هیچ جبر راهی معرفت بجنبه
اقدس او هیچ احد برا در دنیا و آخرت ابدا نباشد
خارج از حد تشبیه است مختصر اینست که او هست مخلوق
خودش را نشناسد بس اقرار بهستی او هست خارج از حد
ابطال نبود و خلق او را که منزه است بکنه نشناسند

باز اثبات هستی او هست در شناختن خلق او را که هست منزه
شناخته نبود خارج از حد تشبیه است و شهادت بندگان
در توحید از روی عجز از معرفت خارج از دو حد حد
ابطال و حد تشبیه تعلیم جانشین بمتابعت ائمه طاهرین
عروة وثقی عترت پیغمبر خاتم النبیین صلی الله علیهم
اجمعین بگویند اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له کما شهد الله لنفسه و شهدت له ملائکته و اولوا
العلم من خلقه لا اله الا هو العزیز الحکیم و راسخون
در علم و اولوا العلم بتعلیم او سبحانه لا اله الا هو العزیز
در کلمه بر کل واضح است سید انبیا و رسل و خاتم
همه اوصیاء از آل و عترت او ائمه معصومین صلی
الله علیهم الله و تا آخر ذکر ایشان صلی الله علیهم کونا
نسبت با بن عالم است در حقیقت که فرموده مثله ثنا
صلی الله علیه حجج الله علی اهل الدنیا و الآخره و الاولی

در مخفی نیست و آنچه رسیده است از ایشان صلی الله علیهم
در نماز خواندن سورهٔ فاتحه مثل خواندن سورهٔ توحید
بقصد قرآن خواندن شرط صحت آنست که قبل از خواندن
در ابتدا پناه بردن بخدا از شیطان مستحب است که گفته شود
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم که فرموده خداست
در قرآن چنانچه هر که وقت قرآن بخواند همین را بگوید
و از هر صاحب صفتی بد ذات خود را پناه دهد که هر دو
صفتی بد ذات بتغییر و تغیر واضح است و او مخلوق
و وسواس شیطان در همه جا هست و همچنین نماز را
ائمهٔ معتدا بان معصومین ما صلی الله علیهم چنان
میخواندند و جای مبادرت ندهند ما هادی عجب مأمومین
همگی بتبعیت و اقتدا بایشان صلی الله علیهم همان
طور ایشان صلی الله علیهم واقع کرده که میخواندند
میخوانیم تا بنا بر همت ایشان صلی الله علیهم معلوم شود

و از زمرهٔ ایشان صلی الله علیهم محروم و محشور کردیم
بلکه در عمل خود را ملتفت و مشغول بقصد متابعت
موالات ایشان صلی الله علیهم و نیز از دشمنان ایشان
تا حواهی خود را در عمل باین جمع سازد که و سنگاری بایشان
صلی الله علیهم بعد معصوم است قصد امتثال و قبول
امر ایشان صلی الله علیهم را در عمل داشته باشد و بس
لا غیر که غیر آن بالتمام باطل است و همچنین است تکلیف
تمام رعیت در تمام اذکار و ادعیه و مناجات چنان است
و بس که کفایت علاوه در اسلام بر اهل بیت اول
خطاب بضعیف ثابت ایمان تا کیف و جئتم قول لا اله الا
الله بان نگفتن حصر خوانند با اعتقاد بقول امر ایشان
بطوری که نزد خود شان است صلی الله علیهم و اذعان و تصدیق
در حق امتثالا این است معلوم است که حضرت صاحب الامر
و الزمان موجود غائب منتظر حاضر صلی الله علیه و عجل

نحوه را شاهد احوال ما ها در غیبت و بندگان صد انیم
و تغییر انجلو هوای نفس است تا سد چنانچه بوده است
در غیبت صغرای حضرت صاحب صلی الله علیه و
علی الله فرجه را ز هنر نوابهای خاص حضرت صلی الله
علیه چه در زمان عثمان بن سعید علیه السلام و چه
در زمان محمد بن عثمان علیه السلام و چه در زمان
حسین بن روح علیه السلام و چه در زمان علی بن
محمد سمری علیه السلام معهود است اینکه از این طرف کسان که
فرقه‌های مختلفه دعوی‌های دروغ و لهیه آنها مثل این
زمان باعث گردید بلکه حضرت صلی الله علیه و آله سد
راه آنها و کشف دروغ آنها و مثل آنها فرمود دیگر
نائب خاص در میان مردم قرار ندهید وجود امام
صلوات الله علیه بالتزام بقای عالم و نفع او
از برای خیر تمام اهل عالم و تأیید باطنی در باطن

قابلیت حضور اداء او صلی الله علیه نقطع و موقوفی
نائب خاص تمام زمان غیبت کبرای خودش صلی الله
علیه حکم فرمودند و تکلیف میان مردم را همچنان
در توقیع رفیع آخر کردن ابطال نائب خاص بوده
و در آن ابطال چه فایده‌ها از مضمون معلوم شده
و باطلهای آنها نزد مردم واضح شد تا کفر کردند
وجوده لطف و غیبت مثابه آن شروح عمومی فرمودند
که معروف و مشهور است و علمای اعلام مثل شیخ
صدوق و شیخ معتمد شیخ مفید و علم الهدی و
شیخ طوسی و امثال ایشان نور الله مضاجعهم و
قدس الله سرهم طبقه بعد طبقه و شته کشیده
بلا فصل با استحکام تمام از علما و مقلدین و بزرگان
تقوی الفرقه لا احترام از نور صدور آن توقیع رفیع
بحکم محکم حتم در آن دفتر و بحمد الله تا حال همه میان

اهل حق جاری است همه قوم مردم را در تکلیف بآنچه
فرمایش او است بدون تحریف و بدون توجیه و بدون
تاویل و بدون حمل بر غیر ظاهر واجب است که
تعبیر از این هر چه هر شخص خیال و فهم برسد اصلا
ملک خود الشخص است در خودش بکار خودش و
کسی دیگر هیچ چیز نیاید بر هر یک از افراد عباد هست که
حضرت حجت چهاردهم معصومین پیشوایان ما همه
صلی الله علیهم بطوری بشناسد تا بداند او هست
در خلق خدا تمام مخصوص بخداوند علی اعلا بر
ندارد و تمام مردم با و وجود وسیله صلی الله علیه
و آله مستغنی اند از همه جهان مخلوق تا خودش صلی
الله علیه بآن علامات فرموده شده مخصوص مطلع
نقل کرده در کتابها عینا خود که نوشته الله کریم
نباد ظهور فرماید متقلده بشر به خودش ظاهر

مبا پاک کردن تمام روی زمین از شرک و کفر و فضل بشتم
شهر از نعمت وجود اصل است و از جمله اسرار طول غیبت
گویا همان باشد که گفتم چنانچه انتظار حضرت نوح علیه السلام
مه آنقدر زمان موقت پیغمبری خودش از برای تفکیک
در انعقاد
اصلاب قوم خودش از مؤمنین داشته و فکر دید
دیگر قوم خودش در اصلاب خودشان چیزی ندارند
خدا عرض کرد و لا یلدوا الا فاجرا کفارا آنوقت با
امر شد کشتی و حمل مومنین خودش و طوفان گرفت
تمام روی زمین را و پاک کرد روی زمین را از همه
کافرین که اصلاب تمام آنها از مؤمنین خالی گردید
توبه هست و هم چنین گویا از جمله امتحان خلق است
تا خدا پرستی منحصر از برای تا ملین در وجود اقدس
حضرت او باشد که خداوند نگاه دارنده و
حفظ کننده او صلی الله علیه و دیگران خارج شوند

بکفر خودشان در انکار که اخبار از حضرت رسول و ائمه اطهار
صلی الله علیهم در طول غیبت دلیل بر آنکه در قرآن است در سبب
معلوم نبودن وقت ظهور گویا از جمله عجب است ثواب مردم ما
در انتظار بلکه در جبران که به انتظار رنج است وقت ظهور است
و این عالم بی‌کرانه است و آن روی زمین هست و آسمانها
است که زمین اصل هست چنان معلوم و آسمانها فرع است
گویا هر چند که زمین باقی هست آسمانها به بقاء زمین باقی است
و چنان از جانب خدا صاحب خانه بر روی زمین مالک
زمین و آسمان است در پادشاهی خداوند سبحانه عز و جل
منصب خداوندی دارد خلیفه لولاک لما خلقت الافلاک
آنچه خلق است تمام از برای ایشان صلی الله علیهم
در جمیع تفصیل حدیث کساء هست و منافع خیریه آنچه در
تمام عوالم هست بلا انفصال در دنیا تمام مخلوق بلا
استثناء بلا واسطه به انفاق ایشان است صلی الله علیهم

بر همه مردم از خدا و الهی و معنوی از سبب بقا و نفقه
همه در امتحان شکر و ناشکر بیند تا بیرون خود شان بر
بموجب آیه شریفه الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله
کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة و
الله یضاعف لمن یشاء در عوض از خداوند از برای ایشان
صلی الله علیهم بمثل السبل المعروف علی قدر المعرفه غیر متناهی
است عقل و علم کلیه اول به استلزام جامعیت حکمت
از برای اداء عرض در خلقت خلق و بقاء همه بوده است
غرض چنانچه بیانی از آنکه دیدیم فسبحنا فسبحت الملائکه
حق هست انچه که آنچه از فوق عرش تا تحت الثری در دنیا
ولو فتنه ابتداء ذکر و تسبیح و تهلیل و تقدیس
و علم و معرفت و طاعت و عبادت گفته و جای آورده بود
و ثواب و فضل با ابتداء با ایشان صلی الله علیهم است
بموجب حدیث الدال علی الخیر کفاعله و آیه شریفه

علم و معرفت و طاعت و عبادت مفهوم و واضح میشود تا
عبث در تمام آن گردد و حکمت تمام آن معلوم باشد و از باب
قصور عقول خلق در عتبات آیات انقضاء علتها و حکمتها زیاده
در تمام آن بر همگی خلق و عبث چون کلی گوشزد هویدا
تا مثال معدل و مقوم هیئت عالم را بر روی زمین لازم
تا او علة العلل و حکمة الحکم و روح الارواح و ولایت
خداوند سبحانه با او باشد و بتوسط او انواع فیوضات
باهلبیت و مستحقان در خلق منبسط گردد و بروز لوازم
حکمتها و خاصیتها و اثرها در تمام کلیات و در تمام
جزئیات عجیب کتابی تمام خلق در عبث در هر آنچه الی ما
شاء الله بواسطه وجود مبارک او باشد و آنچه علم و معرفت
خلق شده است بالتمام از برای اهلبیت او است که او است
در منتهی البعد در حیز الکلیت انسان دایره هذه الکلیات
حجریه و غیبات و معلوم میشود و مطلب بسیار بزرگ

تمامت کمالی کاملی هم بر وقت اگرچه بقدر ذرتی باشد بجمع
و در حامل بسوی زمین در عالم نباشند و هیچ زنده
او باشد و از او متصل مثل نور آفتاب که بر اشیاء
بتابد ظاهر و باطن بر تمام قلوب تمام اهل عالم تا ابد گردد
و همچنین میزان خود شان در طاعت و عبادت شان
که تمام عالم را طاعت و عبادت نمایند و گر نه در عالم در
استیلای خود شان مستقر باشند تا غایت کمال در مراتب طاعت
و منتهی البعد درجات هیبت فراهم شده در عالم صاحب و سلطنت
و حامل باشد تا آنچه از مردم قبول شود بجهت وفق عمل
مردم مشاهده در مراتب اطاعت اطاعت عمل او قبول باشد
و اگر کفه آید در ارواح عالم ابتدا و معرفت و طاعت و عبادت
نفس و طهارت از برای قوام در تمام تمام اشیاء از تمام
اهل عالم گردد تا وجود نفس مبارک او اساسها و غیرها
و کرسی و غیبها با این عظمت و سنگینی نگاه داشته شود

و دیدها انکه بعض خداوند از باران و غیره باتمام انچه تعلق
متصل از برای انسان را و متصل است فیض از خداوند
بالا دامه خبر کند و انا ضد از برای او بر تمام خلق خداوند
نماید که در اهل ایمان بطور انچه البشارت ایشان هکاه
بماند و در اهل کفر بطور انچه البشارت را با ایمان نزدیک
کند مرحمت فرماید چنانچه از باب تبیین راه عذر بر
ایشان بمقتضای خلق این زمان هوش و حیات
دیگر البشارت از برای اخبار و سهل اند با امکانی فتح ابواب
راه معرفت بسوی دین حق زیاد کرده تا هر باب که منتهی
با نچه انا ضد بار شده هست نشود بجنب بر او تمام کرده
مقصر باشد معاملت بکن کالا مهیا و چراغ کاذ و چراغ برق
در عکس بتلگراف و هم چنین الی ما شاء الله همه آن
از شئونات دلائل قدرت در آدمیت کمی خود مکنون بند
در وجود انسان چنانچه مکنون اند در خالق و بمقتضیه

قلب

قلب میشود انسان در ایمان بلطائف الطاف الهیه و قدرت
دیدن سینه انکه قدرت و عمل با جمهور سینه هست انسانی
مضمون در لطائف و عبادات تجلی تمام صنعت جات و علمیه
و الجهود رطلبه و ملکوتست البناء خود ابشود که تمام ان در ترتیبات
حضرت ابو المؤمنین صلی الله علیه است که فهم آنها مشکل
بالفعل بحسب ملک واضح و اشکار گردیده و میگردد و هم
چنین قران کریم که دارای تمام ترقیات هست سوره مبارکه
یس ذکر فرموده کرده و تفسیر ان بطوری که ائمه ما صلی
الله علیهم رسیده است دیده شود تا کشف بعضی از مطالب
محسوسه فعلیه نماید ایات جلیله ایه شریفه که خداوند میفرماید
و ایة لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون و خلقنا لهم من
مثله ما یرکبون و ایه شریفه را انچه تفسیر نموده است حضرت
اوزنه از خلفاء او دانند و بر هم اخبار ائمه طاهرین
صلی الله علیهم کسی را متتبع باشد کشف اوهام ارزنده

معنی انما تطلبونه همه چیز خداوند سبحانه از برای او خواسته
کشف اذکر دانند همان طور در عالم و اهل عالم و قلوب و ابدان
هیبلند رشیدن و از جمله فرمایشان که گفت باش بطور را
بوجب فرمایش بیکر بسیار معلوم هست بندگان خاص خدا در
وجود خودشان با ایمان و التجا با آل محمد صلی الله علیهم بحبت ولا
چهارده نفر ایشان اشاخدا صلی الله علیهم و تبرا از دشمنان
ایشان در عمل و علم و صدق و وفا و علم و معرفت و طاعت
و عبادت و ذکر و تسبیح و تهلیل و تقدیس ابدان و قلوب
خودشان را با خلاص و خلاص و جانکری و جان نثاری با آل
محمد اهل بیت رسالت صلی الله علیهم چنان تصفیه داده
و عابدند منتهی درکشف امکان از حکایات بیرون قلب
نایل شدند و رسیدند با آنجا داده شیران در عالم
عام کرده عیکنند [illegible] شنیدند از اشیاء
و غیرات در امکان دیدند و شنیدند و بینند و بشنوند

و آنچه خواستند خواهند شد و بشود تا آنکه جهنم و اهل
آن و بهشت و اهل آن را در دنیا بوده دیده و ببینند و بدانند
کشف و از برای ایشان که ایشانند همه چهارده نفر نبوت
و رسالت و ولایت و امامت صلی الله علیهم اجمعین
خودمان هستند از خودمان بجانهای خودمان [illegible]
خودشان از آنها که باختیار خودشان کرده بود در خارج
سعی و کوشش را نموده بود و انچه از شئونات خود قلب
از برای او ممکن بود این معجزات بوده این موضوعات
مذکوره و امثال آن در خارج به هیچ وجه معلوم نمیکردید
بر آنچه از شئونات قلب است باختیار عمل است در خود
و ظاهر چه همه بیکی جهه خود چه در خارج نوانا
بکار ببرند تا ظاهر سازند تماما سراسر موجود در خارج
از امور و معادن و کیمیا و جواهر و اکسیرها و هکذا
الی ماشاء الله موجود در انسانست که او خالق همه

و با انسان هم عالم دیگر که نتیجه هست در فرمایش مولی حضرت امیر

مومنین علی صلوات الله علیه در او است اتزعم انک جرم صغیر

وفیک انطوی العالم الاکبر هرگاه انسان بهوش و عقل اگر بشود

[illegible] از متعلقات [illegible] معلوم شود عقول [illegible] قدیر

عالم علیم بالذات لا اول له ولا آخر له ازلی ابدی عین [illegible] علم

[illegible] تمام اشیاء و تمام هستی [illegible] انسان را

[illegible] لا شبه له موجد بدیع رفیع منزه واضح

عن [illegible] تمام اشیاء [illegible] بخشنده

[illegible] عقل [illegible] همچنین آنچه را که خواست معطی است

واصل [illegible] نگاهدارنده عالم معلق که

تمام جهات [illegible] لا شیء محض [illegible] برای خوب

[illegible] خلیفه او [illegible] جهت خلقت واجب که اگر هو

و عقل [illegible] خبط و دیوانگی بیهوده و اگر خلیفه او با نظام

عالم هر جا [illegible] طاعت و عبادت و متعلقات هرچه

بطور

بطور [illegible] بیهوده خالق غرض خلقت شان بوده بقا

عالم [illegible] همچنین [illegible] بهشت مصطفای [illegible]

فضل منصوب [illegible] ابتدا [illegible] با عالم [illegible]

[illegible] واضح [illegible] عالم خانه [illegible]

[illegible] خداوند [illegible]

[illegible] شوند روز [illegible]

میکنند و صبر [illegible] کردند که

تمام [illegible] نعمات بهشت وارد [illegible] تعالی

[illegible] چراغ [illegible]

مثل چراغی که معلوم است هر چه چراغها از آن چراغ روشن

شود از آن چراغ کم و کسر نگردد و این [illegible] مثلی است و با

[illegible] که موصوف [illegible] صلی الله علیه در عالم

تا ابد تمام اهل عالم در آن مستفیض و چیزی از آن کم و

کسر نگردد و عالم [illegible] از برای [illegible] نزد او

[illegible]

مولود هسته مثل کفنست و مثل بضعت کوید و مغز

بادام وجود نوری است در حضور او از زمین تا آسمان

که سلیت وبله و نظاهر و باطن اهل عالم دران برمیبند

و وجود شریف همه اجزاء عالم که از برای او کوچات هست

چنانچه کفتم حاشیه [illegible] ناظر باشد که شاهد بر تمام کارها

خلق است سهو و نسیانی [illegible] دیکر مظهر تعال

خداوند و امر خداوندست بین کاف و نون و او را

با تمام خلق [illegible] مشی بصفت رحمانیت خدا

با تمام خلق و شی بصفت رحیمیت خدا اضافه بر

رحمانیت است خاص است با مؤمنان و ثواب از

خداوند است از برای تابع او و عقاب است خداوند ا

از برای [illegible] محض [illegible] خداوند مخصوص

او هست [illegible] مصدق او و تابع در ایمان با چه نزد

او هست از معرفت که شکر نعمت ایمان هست و ناشکری

کفرست

کفرست پس اینست هرکه روزی یا کهانی من حیث

لا یحتسب کویند از مؤمنین بخواهد اینکه مخصوص

هست در اثنا [illegible] باندازه [illegible] و اکر بال محمد صلی الله علیهم

دارد خواهد بود خاصه با آنها بشکر اصلند و ابواب اند

[illegible] بعصمت چهارده معصوم صلی

الله علیهم که در آخرت بازگشت خلق بسوی ایشانست

و حساب خلق بر ایشانست صلی الله علیهم و ایشانند

که اول ما خلق الله [illegible] و علت ایجاد تمام خلق

و عقل کل اند و ابواب [illegible] ختم النبیین

و المرسلین و اوصیا [illegible] او معصومین [illegible]

توحید [illegible] صلی الله علیهم که بالفعل بوجود

محمد صلی الله علیه [illegible]

مشروط [illegible] ایشان [illegible] بالفعل هست

[illegible] ایشان

انها

انبا مشغول باشند بزبان و دهان خود بصلوات بر محمد
و آل محمد صلی الله علیهم پاک نمایند تفصیل
و معادکه ایشانند مخصوص نه بعوالم امکانند و بتوسط
ایشان از اول اول عوالم وجود و تمام عوالم فیض بوده
هست و شود خواهد بود چنانچه انا ضد قلب
هر نفسی در نفس خودش یافت بفهمند کوچکی هر نفسی از انسان
و بزرگی عالم امکان که چنانچه هیچ نفسی بی قلب ممکن نشود
عالم امکان بی قلب ممکن نباشد که اصل قلب هست
باقی فروعات انست چنانچه معلوم است عضو از بدن
که جدا شود چون قطع علاقه از قلب کند او را دیگر
احساسی نباشد و در آخرت که بنام قالب و بنائی بر گردد
باز با قلب شود چون سکنجبین مصطلح در ترکیب از سرکه
و انگبین است در تجربه هیجانات هیچ چیز و خلی باد ندارند
تا باز ترکیب شوند و دار اثر مدار آن طعم واحد خاص

کردند این انسان در ترکیب الارواح و جسد هم هستند و جز تبریج
هیچ جزء بخلی باد ندارند تا باز ترکیب کردند و دار اثر مدار
قلب شوند و در ثواب چه مسئلت و در عقاب چه در این از فضل نجات
معلوم است تا شاید شود مثل امراض بدن یا تمام ترکیب
او یا عضوی دون عضوی یکی تا الم در مرض اگر باشد و شاید و
شاید اگر شود در هر روز ساعتهای عمر بنای خود بر
اول تا آخر در مرور و دور خود را بر ببیند تا بالکلیه نجات
یابد ها الله العالم و در عقوبت هر بدن از اصل هلاک اند در اصل
انچه انکه از ان بر وجه بصورت و جه بعذاب در آن جهت
خودش با آن علاقه که بفعل خودش از برای خودش برگشته
منقلب در فساد خود معلوم است پس مدرک و علت
قلب است بتوجه و اشراق تا صلاح در صلاح خود شود
صلاح یابد
و فساد در فساد خودش فساد ببیند که از محسوسات معلوم و مفهوم است

افعال بندگان ایقاع و بجای آوردن اعمال باختیار در کتاب
خود شانست دخل بجز اجل شانرنداده مگر آنکه او سبحانه
دمانده است بمقتضیات ایمان توفیق بمؤمن و بمقتضیات
کفران خذلان بکافر گویا ازجمله مطالب دیگر ابنا اخری واگذارد
باشد زیرا آنکه او هست مجزی بنعم مخواسته است از برای
مطیعین ثواب را واز برای عاصین نداد لنکرده عقاب
مخواسته است بندگان او را نشأه بیر ایجاد لا من شی
هکی مبانیکه ما و مبانیند نخواسته است هکی زیراین
نشأه هستها اختیار خودشان در افعال خودشان بعد از
تمیلین و تماهی تجربها باشند تا اطبا از حاصل کنند
که بدیده شده و مجبوریند نخواسته است حول و قوه را از
عاصین در وقت معصیت سلب کند تا مجبور بر ترک
نباشند و نخواسته است بندگان در اوامر و نواهی بیشان
تا معوض به فعل نباشند و هم چنین الی ماشاء الله

کرواضح است در بهر مفهوم ماشاء الله کان وما لم یشاء لم یکن و جرا
خداوند سبحانه غیر خواستهائیکه باتمام برسد هم چنین
همه مشیات و ارادات و بنا بر منسوبات باو جل وعلا محسوب
ار است از مؤمنین توحید است اعتراف به همید و اقرار بودن
در علم اخبر منسوب بی او هست تبارک و تعالی و عجز به نسبه
همه منسوبات با ایمان مؤمن است و بتحقیق ندانستن
اثبات در ایمانست بحقیقت و امر لا تسلیم اوجه است
عجز هست انبیا سیدبانان و ازجمله حقوقات البعیا مقلد
کرده است موتیرا بر خلق و جزاء و حساب را در خلق و ثابت
مومن را در بهشت و غلبه کافر را در جهنم و هم چنین الی
ماشاء الله در محتومات واضح است للعقد کان فضل
آمادر گذشته
و هم شیر از فضیلت و معاد و هم چهارده نفر معصوم
مثوابان ما صلی الله علیهم طینتشان احدی دو ودا
و تماما ظل عالم امکانند و همه انبیاء الهی ان تمام ایشان ا

وشنوانند طلب علوم وقت تمام خود شان است و علت هست

بعضی غریب که با بیچاره وقت را فضل الهی و وجوه جهت آ

دیگر جزو واحد جم و جهت دو وجهی است و دو جهت خلوت

است و دو جهت بیرونیت کالوهیا خالق خداوند ستارا

معلوم میسازند و دو جهت خلوتیت کالوهیا شریه را احیاء

دل مرده چراغ است و جهت ابلیس مرده و هر بند دیگر در تمام

عالم باشند و [illegible] البیان صلی الله علیهم می بینند و

احیا کردن آن مرده و امثال او و مشهور کردن او بعد از زنده

شدن و بحال آدم خواند شوهر داشتن و اولاد آوردن

امثال او و لیکن [illegible] شده علی [illegible] صلی الله علیه

مظهر العجائب و مظهر الغرائب [illegible] الاختصاص

خصوصی مراتب [illegible] بجائی رسیده اند باراده هر چیز

خواسته شده و [illegible] تشریف داشته عبدالله شکایت

از معویه کرده که در شام با اهل خانه اش بواسطه تشیع

بیرون [illegible] از خود خانه عبدالله [illegible] چند ماه

زمین [illegible] از شام [illegible] نقل شده [illegible] کشانیده

[illegible] بغیر [illegible] خانه خود شان [illegible] که

[illegible] دیده اند و از [illegible]

طرف شام [illegible] معویه [illegible] شام [illegible]

[illegible] سینه او را زده [illegible]

بروی خود بر زمین چسبانیده و فریاد [illegible] خود [illegible]

[illegible] شاید مقصود [illegible] خود [illegible]

[illegible]

در عالم [illegible] امثال [illegible] فساد

شده [illegible] بوده [illegible] جهت [illegible]

صلی الله علیه از شهر [illegible] تشریف میبرده و با شمشیر [illegible]

[illegible] بوده و از این [illegible] الا ما شاء الله که تمام عالم در

حکم البیان صلی الله علیهم [illegible] در حضور

ایشان صلی الله علیهم مثل کفی نیست هر یا مثل ضعف کردن بلمثل
[illegible] ام [illegible] بر حسب خود باشد و حکم ایشان صلی الله علیهم
خود حکم خداوند جل شانه نیست آنچه نخواهند خواهش خداست
نا آنچه خدا نخواهد خواهش ایشان صلی الله علیهم است
که خود ایشان صلی الله علیهم نخواهند مگر آنچه که خواهش
خداست سبحانه بوده در اوایل حضرت سلیمان بن داود و
حضرت عیسی بن مریم علیهم السلام نیز در همانجا صادر است
از ایشان صلی الله علیهم [illegible] انعام آنچه خبر است
که بالتمام از برای توحید خدا سبحانه و بر خود توحید خدا
که ما المعرفة [illegible] منزه از آنچه جمیع عوالم ملکوت باشد در ملکوت
و جمیع عوالم ملکی باشند در ظل نور [illegible] واضح است
اند [illegible] شئون مردم از ایشان صلی الله علیهم اکثر خبر [illegible] خلد
[illegible] اند از [illegible] ایشان صلی الله علیهم است تمام عوالم ملکوت
و ملکات ایشان است آنچه نخواهند بشود سکها و ختمها

[illegible]

شیء وخالق [illegible] العالم بکل شیء والذی [illegible] علی امیر المؤمنین وابنائه
المعصومین واحمد اسئلک بحق محمد وآله ان ترحمنا وتغفر لنا
وترحم وتتفضل علینا بهدایتنا ولا دیننا وتوفقنا الی ما تحب و
ترضی فی الدنیا والآخرة ابد الآبدین یا کریم صل علی محمد وآله و
استجب یا رب العالمین ویا اکرم الاکرمین لا اله الا الله اشهد
لله علی ابلیس واستودعکم لان یلقنی به عند الموت وعند
سؤال منکر ونکیر فی القبر والمواقف [illegible] حجتی
انی آمنت بالله انه واحد الاحد [illegible] بلا تشبیه لا حد له بالذات
القدیم الفرد الوتر الحی الازل الابد بالذات الموجود الثابت
الواجب القیوم البدیع الدائم لا یزال السرمد لم یتخذ صاحبة
ولا ولدا ولم یکن له شریک فی الملک [illegible] مرید علیم قدیر علی
حکیم سمیع بصیر احد صمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
هو الله سبحانه وتعالی فاطر السموات والارض غیر محدود الغنی
بالذات هو غنی [illegible] عالم سمیع بصیر حکیم عزیز غیر [illegible]
الاشیاء

الاشياء سرمدي الذات بلا اول ازلي وبلا اخر ابدي حي احد
عليم بالكليات والجزئيات ابدي موصوف بكمال محيط بتمام
الاشياء بصفاتها والاشياء بصفاتها لا اعتبر لا يشبه
شيئا ولا يشبهه شي هو بعينه ذاته ومعرفة ذاته هو عين
محمد وحده لا شريك له ومعرفة تنزيهه مختص في القرآن
وعند النبي محمد والوصي علي والائمة المعصومين صلى الله عليهم
واهل بيتهم اجمعين من اتبعهم نجا تبولا منهم وولاهم
وصدقهم نجا من جاهلهم ولعن عنهم كفر وهلك
وهو سبحان الذي يعرف الذات ويعرف تمام خلقه الفقراء
وهو المبدع المنزه من تمام الاشباه ومنزه من الحركة والسكون
وتمام الصفات لن يراه لن يعرفه احد ابدا بالذات خلقني
عاجلا بقدر اضعفا لجرامه كالاعرف قصي وكل شي
ذو كبيرة وحده وعده وصفه هو سبحانه يعرف خلقني
من تراب بعد نفخ وينفني بعقيقي ثم يحييني

امثاله

امثاله المغفرات بفضله الكريم المنان ومكذا للطائفة لكل مركب
محمد وحده موصوف بالائمة النبي محمد خاتم الانبيا
وسيد المرسلين والوصي علي امير المومنين والحسن والحسين
سيدي شباب اهل الجنة اجمعين والتسعة المعصومين من
ذرية الحسين والتسعة المعصومين من ذرية الحسين
صلى الله عليهم مفضلا لخص ارقامهم في الدنيا والاخرة
لعبد الالهين هكذا المعرفة على التحقيق بالصنع عينه وبذاته
الحدث وضرورة وجود الصانع للجميع وتنزيهه عن الجميع
واختباره سبحانه بالدليل وثبوت الشرائع والاخرة بلغوها
من الجميع محمد وعلي والائمة المعصومين صلى الله عليهم عمال
معرفته ودعاة خلقه واولياء النعم وقادة الامم وتفضل
تمام ما في الزيارة الجامعة ويبين ان في الجنة امر لبين
علي والزهراء وحسين وحسن كل من كان محبا لهم يدخل
الجنة من غير حزن وفي انوارهم التسعة منهم انوار جميعهم
صلى الله عليهم والتكليف على اهل السموات والارضين بمتابعتهم

لاختصاص وابعضنا التوحيد بالنبوة واماميهم وعدة بارزيعة
عشرهم فقطعهم الهادون من الله لله الى الله تولاه وسيطة
القبول منهم والايمان بهم وبما عندهم صلى الله عليهم
والبراءة من اعدائهم فانى مؤمن بهم وبما جاؤا به وكافر
بعدوهم وبما كفروا به لا اله الا الله ومحمد وعلى و
الائمة الطيبين الطاهرين صلى الله عليهم وربّ العالمين
ربى اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له كما شهد الله لنفسه
الله لنفسه وشهدت له ملائكته واولو العلم
من خلقه لا اله الا هو العزيز الحكيم ربّى واشهد انّ
محمدا صلى الله عليه وآله عبده المنتجب ورسوله المرتضى
ارسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو
كره المشركون وانه خاتم النبيين وسيد المرسلين
من بعده ملك افضل امام اهل السموات والارضين خليفة
الله وخليفة رسوله على امير المؤمنين وانه بر وحده
بلا شريك فى امامته على تمام المؤمنين وانه بر وحده و

وأشهد ان المعصوم

بلا شريك فى امامته على تمام المؤمنين صلى الله عليه امامى
واشهد ان المعصوم من بعد الله سيدة اهل السموات والارضين
فاطمة الزهراء سيدة نساء اهل العالمين سيدتى
صلى الله عليها وآلها واشهد ان المعصوم من بعد
ابيه خليفة الله وخليفة رسوله الحسن بن على صلى
الله عليهما امامى واشهد ان المعصوم من بعد اخيه
خليفة الله وخليفة رسوله مظهر تمام رحمة الله الو
الحسين بن على صلى الله عليهما امامى واشهد بانه
هو واخيه سيدا شباب اهل الجنة واشهد ان المعصوم من
بعد ابيه خليفة الله وخليفة رسوله على بن الحسين
صلى الله عليهما امامى واشهد ان المعصوم من بعد ابيه
خليفة الله وخليفة رسوله محمد بن على صلى الله عليهما
امامى واشهد ان المعصوم من بعد ابيه خليفة الله و خليفة
رسوله جعفر بن محمد الصادق صلى الله عليهما امامى
واشهد ان المعصوم من بعد ابيه خليفة الله وخليفة

وسولي موسى بن جعفر الكاظم صلى الله عليهما امامي واشهد
ان المعصوم من بعد ابيه خليفة الله وخليفة رسوله علي بن
موسى الرضا صلى الله عليهما امامي واشهد ان المعصوم
من بعد ابيه خليفة الله وخليفة رسوله محمد تقي الجواد بن
علي صلى الله عليهما امامي واشهد ان المعصوم من بعد
ابيه خليفة الله وخليفة رسوله مولاي نقي الهادي بن محمد
صلى الله عليهما امامي واشهد ان المعصوم من بعده
خليفة الله وخليفة رسوله الحسن العسكري بن علي صلى الله
عليهما امامي واشهد ان المعصوم من بعد ابيه خليفة الله
وخليفة رسوله حجة الله الموجود الغائب عن الابصار و
المنتظر الحاضر في الامصار صاحب العصر والزمان الذي
انام الله به السموات العلى وبسط له الارضين ورزق به
المخلوقين سمي جده الرسول صلى الله عليه وآله الحجة بن
الحسن العسكري صلى الله عليهما امامي عجل الله فرجه وسهل

مخرجه وجعلنا من خواص عبيده وانصاره وخدامه واعوانه
والصابرين والحامين والذابين عنه ومن تحت لوائه ودولته
ومن الطالبين بثاره حيه وبائه والمجاهدين والمستشهدين
بين يديه في سبيل طاعته اللهم انه هو مولاي امامي وسائلي و
قائدي وهادي وشفيعي الى انوار لنفسي مولاي فارضيته و
تمام دنياي ودلهم لك حجة على اهل الدنيا والاخرة وولاة
امتك بهم يتلقاهم وقربهم ثواب في الدنيا والاخرة
فيهم فبلت من التوحيد الى التخليد كما هو تعبدهم ومن اعدائهم
تبرأت في الدنيا والاخرة وبهم النجاة وبه ادخل الجنة بغير
حساب بجاهي بفضلك الكريم بانه ان ذلك مستودع ذلك عنده
ومشهد لنفي بذلك وانت خير مستودع باجير الشاهدين
الطلب منك غفران ذنوبي بحد ذنوب والدي والاولادي بقدر
حقوقي وجميع احباء امتي وملكا عفائش من خاصلة و
محصوله في بعد ربنا ونوفق حسن لصومنا وصلواتنا

وصو صلوة ابائنا واجدادنا ... ابنائنا وبعد
خوضنا الی ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله افوض
امری الی الله ان الله بصیر بالعباد وانت یا الله الکریم
الرزاق وحدک لا شریک لک رب العالمین یا رحیم یا عظیم
یا رحمن تفضلک یا منان سبحان الله والحمد لله ولا اله الا
الله والله اکبر ما ماندن تمهید خود و بلند کردن مقام
پیغمبرها و اوصیا از آل و عترت او صلی الله علیهم تا دیدن
اسماء حسنی الهیه و حمد گذاری از برای او و سایر سیما
از آنچه آورده اند و ما را از هدایت خود ندیدن است
مختصر نتیجه تحقیق معلوم در عجز از معرفت اشیا است
که ما الفرا با مخلوق نسبتی نیست با این قدر و حد هیکل عجز
داشتن چه میتوان گفتن یا فهمیدن اینکه صانع غیر مصنوعات
غنی بالذات برخلاف و عکس فقراء بالذات واضح است معرفت
باید به وجوب تنزیه او و تنزیه او به وجوب شناختن ما

و شناختن بالذات او باید به وجوب مهستانکان از جانب او و
چنانست فرمایشگان دلیلند بر شناختن مردم او را بالذات
و شناختن مردم دلیلند بر تنزیه او و تنزیه او از جمیع ما سواه
دلیل اند بر وجوب وجود او سبحانه و تعالی زیرا دانستن
مردم شاید نه غیر از ساخته شده و با هم هیچ نسبتی ندارند
مؤمن باید مطمئن به وجود واجب بود و اعتراف در عجز از معرفت
باو سبحانه نماید بلکه شخص خودش و تمام اشیا را بالتمام مثل
خودش محل از برای حوادث و اموات و در معرض فنا و حلول
زوال ابلیمن بیند و مستغنی بالذات عین خود دانستن را
محیط بتو و غیر از همه اشیا چنانچه قبل از خلق خلقها وجود ما
و اشیا بود حالا هست و خواهد بود و شناختن اشیا
موناعی ... یقین مؤمن بحق الیقین ...
اعتقادش منزه بخلاف همه اشیا فانیه ثابت است و عجز
از معرفت ذات سبحانه اینکه واضح است که شناختن ...

شود یا اینکه مثل شیء رسیدن بان معرفت هر چه وفیه هست
وحاصل ان انحصار معرفت وایمان همگی هست بتمام انبیا
وال معصومین او با نچه معرفت وایمان ایشان نزد
خودشان صلی الله علیهم است منحصر وتبری از همه
دشمنان ایشان نماید تمام هست که محمد وعلی واولادهما صلی الله
علیهم همین چهارده نفرند اول وهمین چهارده نفرند
اخر وهمین چهارده نفرند ظاهر وهمین چهارده نفرند
باطن در خلقت در ایمان ودر رجحان ودر نبوت
ودر جود در اسلام ودر تولد ودر صدق ودر علت
ودر علم ودر معرفت ودر عقل ودر عمل ودر عصمت
ودر بعد ایشه در قدرت [illegible] ودر فضل ودر
کرم ودر محبت ودر احسان در حقوق ودر وفا
ودر غیر در همه چیز ومختصر اینکه خداوند خالق
دانا [illegible] محبت [illegible] داده [illegible]

عزیز وشتم متبت ومناقبت هست وعجب جای اورند عرض
خداوند را از طاعت وعبادت [illegible]
حقی خودش از خداوند علم ومعرفت را از این جهت
که عالم شود بجهت کلی کلیه علت غائیه تمام موجودات
که لابد است عالم را قلب باید همه فیوضات وصاحب
همه ان از آل پیغمبر ما صلی الله علیه واله که هر یک
از ایشان کافی هستند ونزد ایشان است فصل الخطاب
که باز گشت خلق بسوی ایشان وحساب خلق با ایشان
از جانب خداوند وبحسب خداوند [illegible] تعالی
که لان بالروح [illegible] ایشان [illegible] صلوات الله
علیهم والسلام [illegible]
[illegible] پادشاه [illegible] آدم
علیه السلام [illegible]
[illegible] ملائکه غرض معلوم هست [illegible]

خداوند است بر سلطنت دنیا و سلطان تا او انا بتکلیف خودش

سبحانه امر نکند پس بدیهی شود و شناخته باد الذین

منکر شدند به حقیقت و جواز خلافت او و نصب او جل

جلاله جمیع ملل بالفضل مظاهر باشند در سلطنت و

در دین تا خداوند عالم ظاهر گردد و پادشاهی

خودش واضح باشد محمد و علی و آلهما المعصومین

صلی الله علیهم را انوار خلق فرمود از برای خودش

در عالم آن پادشاهی چه در ملکوت و چه در ملک

دنیا و آخرت ایشان صلی الله علیهم اسما و مظاهر

افعال و صفات افعال خودش و میزان و صراط نبوی

خودش و مقام خیر من جمیع الجهات باشند و خلق را

از برای ایشان خلق فرمود تا متابعت ایشان صلی الله

علیهم نمایند و به موالات ایشان حرکت و سکون

کنند و متمسک به ولایت ایشان صلی الله علیهم

بشوند به حسب تمام این مطالب تنبیه به همه موجودات شد

که هر که اطاعت کند ایشان صلی الله علیهم را به جنت رود

و هر که مخالفت کند ایشان را به جهنم برود و حضرت آدم

علیه السلام را حامل ایشان صلی الله علیهم خلق فرمود

خلیفه و پادشاه از جانب خودش به نیابت ایشان

صلی الله علیهم و با ایشان صلی الله علیهم در صلب

تمام عالم بوده و همچنان انبیا و رسل و اوصیا

بعد او و اجداد ایشان قرار داده بوده پس حضرت ابی [illegible]

علی صلی الله علیه با انبیا در همه با ظهور وجود ایشان

صلی الله علیهم پس عالم چه در بودن ایشان صلی الله

علیهم حمل اصلاب و ارحام و چه قبل از آدم علیه

السلام مثل آن بطریقی که خودش سبحانه آن را میداند

با انبیا ایشان صلی الله علیهم عالم را ایجاد فرموده است از جمله

ستاره دیده شده حضرت جبرئیل علیه السلام و آن

ستانه و اولاد ایشان امیر المؤمنین علی صلی الله علیه دیده

معلوم است بالفضل هیچ یک از خود ایشان و از غایب

خود ایشان بغضب خداوند گرفتار و بعضی از ایشان در

از جانب خود ایشان بغضب خداوند المتکبر بالفعل عالم

موجود اند حضرت صاحب الزمان محمد بن الحسن العسکری بقیة الله

از ایشان صلی الله علیهم موجود بود رهنمای مردم

از معرفت انتظار مردم طاعت و صیانت علم و معرفت

او است از هیچ و اکثر تمام عالم غائب اند و بعضی

که او است صلی الله علیه صاحب عصر و زمان خلیفه

پادشاه منصوب خداوند اولو الامر در میان خلق و تمام

خلق بهره مند بر جمالات عبد او بر خود او نکو شود تا

الحمد صاحب ... که علم ... شود از غیبت

شان ... ظهور ... آورد

کرده ... عقل ... شود ... بینا نبکه

ایشان

ولیکن فائده اش به دیگری نمی رسد و آنچه خواهش ... بلکه

میسر نیست ... خلق که ... خداوند انبیا

... پادشاه است و بعضی ... مبارک ... که

خلق ... داده است ... الشیطان

الامر ... امام علیه

... که ... علم ... او صلی الله علیه

از ... تمام ... است ... علماء ... حرام و

... ارشاد ... شوند ...

... بشود ... هر چیز از ... خواست

... واجب باشد که ... بنده ...

اما ... او صلی الله علیه ... است ... توجه

و شفاعت او صلی الله علیه شود ...

معرفت انتظار مردم ... ان شاء الله ...

ظاهر شود و خلافت و پادشاهی ...

... موجود

بوجود اقدس مقدس او با طاعت اهل عالم مشهور تا رجعت ایشان
صلی الله علیهم خلافت خداوند بیکدیگر پادشاهی خلایق از برای ایشان
باز رجام خوب خداوند بنفی مخالفین در ظاهر و باطن مستقر
کردد که تفصیلی از آن در این رساله بیان شده است تا اهل عالم
آنکه شنیده‌اند بالتمام بچشم ببینند و بدانند غرض خداوند را
در خلقت خلق موافق آنچه ذکر در کتب سماوی بمردم خبر
داده و مردم را مینماید بود بچشم آشکار و واضح همه مردم دیده
باشند که ایشان صلی الله علیهم بوده و هستند کاظمین الغیظ
والعافین عن الناس والمحسنین علی الخلق که فرو نشانند غیظ
و عفو کنند کافران در رجعت انتقام از مومنین رو سفیدان
و جاکران پناه برندکان بجود ایشان و هواداران ایشان
صلی الله علیهم بر فاطمه مردم دنیا بوده و در رجعت احسان
و شفاعت ایشان مخصوص مومنین در صفات اعمال
[illegible] خداوند [illegible] در [illegible] صفات اعمال

صادق

[illegible] آسیب [illegible]
از [illegible] مرده‌اند بر مردم [illegible] خود شان و [illegible] و
اهل ثروت و دولت [illegible] اند و اگر چه [illegible]
اظهار جان دادن و جان گرفتن و مسخ کردن و امراض را بر
طرف کردن نیست چه زنان رهنما مرده زنده و شیر نقش بوده را
جان آورده و در مسخ طاغیان بر دارزن و سلطان [illegible]
کرده‌اند و چه معجزها بعد از رحلت اند بنا از [illegible]
مطهرات ایشان صلی الله علیهم بمقتضی ظاهر شده و
و اگر چه در توجیه سیر کردن گرسنگان و تشنگان را
سیراب کردن نیست چه زنده‌ها هزارها از خلق چهره‌ها
و چه شهرها اگر دست و من [illegible] سیر شود و در اجتناب
دفعه شده چه تصرمان نور داده فورا در حضرت
ربوده داده عده [illegible] آنچه آب روان شده
[illegible] از خلق سیر و سیراب کرده و [illegible]

شده درخت وچینه سالها مانده واز آنجا الآن نیز باشد
واز برای خودشان صلی الله علیهم رسید همانند هها از طعامها
اشیا مگر بعنا هده چیزهای مردم را اگر خبر در توحید
واشیا را بر اثر خود گذاشتن دگرسنه ماندنست تمام دهد
از آنحضرت صلی الله علیهم واگر خبر در توحید اظهار دلالت
بشریه وگشتن محال قبیل است آنچه ندون خلق شده است
بالقا به در تربیت با ایشان هست واگر خبر در توحید اظهار
بیمرد بنمائی وماند ناشیا بر طبیعت طبعی خود شما
محال صفات وتشنگی وگرسنگی از برگشته غالب مثل
همگی مردم بعد از فضیلت و عجیبت در مهلت گرفته
ابلیس امر به دما مودن شیاطین در آمده وایشان صلی الله
علیهم را همراه با خدمت هست ده مهلت دادن با ابلیس در حسب
اوقات واز همگی مردم در بودن و نبودن باران با مهتار
خیبت ان طبیعت الشهادت صبر ایشانست در محبت خدا از

برای توحید خدا در تمام طبقات متناسل بعیمید مردن
حق را خدا اند ثبات قدم در راه خودش را که مثل
کوه های خودش هست بسیار درست دارند که نام نبیان
مخصوص باشند که محال قبیل حضرت جعفر طیار سلام الله
علیه را بعد از شهادت بر سر نیزها بلند کرده بودند
و بر حضرت رسالت صلی الله علیه وآله که از مدینه او را
در اغیا مید بین تاکوار دکردید فوراً دو بال از الطاف
الهیه المغفرت در آورده از سر نیزها باسمانها پرواز کرده
و آن همه جمعیت محبت خدا الشهید سلام الله علیهم
نگاه میکردند [illegible] اول العلماء خود ما زاد بند دهر
شهادت بعد از دو رکعت نماز دفعه نوشتند بانی مغلوب
ناتص بهمی باسمان داد زبران نوشته دیدان گشته عبد
ناصطبر مقامی بالاتر از شهادة در راه خدا خدا نزد خدا
نخواهد بود که دعاء اولیا خدا نزد خدا همیشه بوده و هست

اینکه روزی ایشان کردند وچند علامت عجیبه بنصرت امام حسین صلی الله
علیه وجد وپدر بزرگوار اولاد اهل بیت نبوت شدند مثل آنکه صلی
علیهم در هر طرفی از عالم عجوبات بکوفتی اثر با شمع شهر عجیبه
کیا این در مسجدی از دو بار نشسته نقل از درخت در باد فرو
که روز عاشورا بفغان عزا عبائید از شاخها خون میچکید
از سر نیزه دختی از در بین روز عاشورا آسمان سرخ لب بساط دم
میشود از برای او میشود گفت مثل آن سر نیزه در عجایب
نقلی از زود باز موجود هستکه خود حق بدنه بود دو چشم
در عالم بسیار هست چنانچه تند از زمان هر بوته را که
کندند در عالم زیر آن خون هیچ شد تا وقتیکه از غالب عالم
بنی امیه و اتباع ایشان بدلند و جهنم رفتند و از سنگها آتش
سرخی در جلا دادن بالطبع اسما اهل بیت نبوت صلی الله
علیهم در او منطبع دیده شده هستکه هر چه صفحه متعدد
شود همان در اینکه در جلا صفحه اول دیده شده

بروده

بروده هستی که آن ناهر روزی از طبع هست و جمله
مثال جبل سنگی بر تبت الله محمد علی فاطمه حسن حسین
در آمده که مشیر السلطنه هیبت بر پولی زبادار در اگر نشت
و مختصر آنست اینکه الکنه صلی الله علیهم اخیر را که
نخواهند نمیخواهند مگر توحید خدا حق با ایشانست
و حق از ایشانست و حق بسوی ایشانست که ایشانند
صلی الله علیهم اهل حق و معدن حق و هم چنین که
از خداست متصل بر تمام عالم با شراق ایشان صلی الله
علیهم نزا اگر فیه جار لیست و بر انقضاء مکشوف زدیر غیر
آن بتغییر تصلیها در حجاب مستور مگر مقتضی خود فضل
لا حول و لا قوة الا بالله حول و قوه دو خلقند از خلق
خدا در تکوین خلقتی هر یک از خلق گذارده شده
اند بقابلیت قبول متصل از فیض اشراقی بلا فصل ایشان
صلی الله علیهم بقرا کبری تمام عوالم بلا استثناء تابان

بود

نبود هر بابانه چو خلق در هر وقت باید دانست معلوم تر است

موجود دفع موانع و حجاب اگر خدای خواسته کرده کسب

ها در دار زمستان بان نبض بوده و با از اقسام بسیار

دیگر کسی انا زاد هر چیز که باشد مقتضی خیر مدد و

با نعوذ بالله مقتضی شر واگذارد کی تواند باختیار خودش

عمل اورد و با خودش را بفعل خودش معلوم سازد و حکم

تنها با خداوند است سبحانه و تعالی انا لله وانا الیه راجعون

دوستان آل محمد صلی الله علیهم را بهشت بالتمام و دشمنان

ایشان را جهنم دائم موبد باشد **فصل دهم** در خاتمه

در این رساله مطالب مکرر بسیار دارد ولی با لطف و ضمانه

است اما مطلب را که منویسم خودم بالتصریحه مکرر داور اخوش

دارم تا اقرار و اعتراف و اذعان من هابیست در ان واضح هم

کرکرده با اینکه اضافه و لطف نیز دارد خدا را گواه میگیرم

بر گفته ارادی عقیده خودم که در معرفت عاجزم ولیز روی

اجتهاد خودم دین و ایمان را واضح نمیدانم منحصر باین است

که من و اباء و اجداد من در ان بوده و ابد الابدین نیز

الهی و لطف و رحمت او یثبت الله الذین امنوا بالقول

الثابت بیان میدارم هستم تا این کتاب انشاء الله

بینه از برای من در روز حشر و حساب شده ثواب ما

که خداوند جا را از برای عجز ما اهنا گذاشته و سلوک مقتضی

تا ما را در ان منحصر کرده است دین لا غیر ائمه پیشوایان

و راه نمایان و حاجبان از برای ما ها خودش نصب

فرموده است و انچه از معرفتی و اکه خودش از برای خودش

خواسته بر حسب شایستگی ما ها قرار داده است جمله

توحید و انکه موحد متعال معرفت خودش اولو

العلم ند بیشتر هر علم با اعتقاد خودشان شاهد اند

بودیعت و فاند ند و بما ها تصدیق و موالاة

انها و تبرا از دشمنان انها را وجب بوده است که در ایه اذکار

و عبادات و طاعات حتم است در عمل با نحوی از آنچه رسول الله صلی الله علیهم
رسیده و با اذن از ایشان داده شده باشد مطلق ذکر و قربت
بهر حال تقصیر از این قصدها نیست در دوام و ملاحظه
امتثال و تعلیم و اقتدا در متابعت و موالات و تقید و صلاح
در هر یکی هست تفویض و تسلیم نسبت با ایشان صلی الله علیهم
در امر علم داین و ایشان صلی الله علیهم را با عصمت وحد
دانستن و انهم رعیت رفیع و جمیع لا ادری مخصوص الله
و لکن در این قصدها اتبع موحد همین از معانی
است که خداوند ایشان را صلی الله علیهم محال معرفت داد که
توحید قرار داده و ما ها را رعیت و ارقاء و تابعین و موالین
و مطیعین با ایشان کرده هست تا در همان راه ها حاصل آید
دین و ایمان کی همه آن از برای خدا باشد نه غیر این هست
که تمسک بایشان و معرفت و حق عترت طیبین طاهرین از آل
پیغمبر ما صلی الله علیهم دائم کرده با او خوانده از برای ما

[illegible]

دیگر

در سنه صلی الله علیهم خلق فرموده است علت غائیه عالم
تعلیم و ایشان تمام و ما آنچه در ولایت خود شان صلی
الله علیهم بر همه خیر بیش واضح بر ما هاست حماد و جوبا
بقول و معنی ولایت ایشان صلی الله علیهم مفهوم از این
فقرات است قرآنست انما ولیکم الله و رسوله و المومنون
مومنون ائمه هدی صلی الله علیهم اند و ایضا اطیعوا الله
و رسوله و اولوا الامر منکم اولوا الامر ائمه هدی صلی
الله علیهم اند و ایضا النبی اولی بالمومنین من انفسهم
و غدیر خم در نصب علی امیر المومنین را بخلافت برد
حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود الست اولی
بکم من انفسکم گفتند اللهم نعم ای جماعت آگاه
بالخصوص فرمود من کنت مولاه فهذا علی مولاه
در همان ولایت حضرت رسول صلی الله علیه و آله که
ولایت خدائی هست بر مردم و در مجالس عدیده مکرر

و مکرر

و حکم کرده‌اند بعد از خود شریعت علی امیر المؤمنین و حسن و
حسین سیدا شباب اهل الجنة و نه فرزند هر یک بعد
از پدر خود از حضرت امام حسین صلی الله علیهم اسم برده‌اند
تا حضرت حجت و غیبت و طول کشیدن غیبت او را بتفصیل
که ملکی در بلد خبر ولایت انداولی بتصرف از خود مان بعود
در خود مان مطهر ند ولایت خداوند برادر تمام خلق ارواح
عالمین بتفضلی حضرت امام حسین صلی الله علیه و آله بیدر [illegible]
معراج مؤمن [illegible] کربلاست و خدا را زیارت نکردن
زیارت امام حسین صلی الله علیه است امیدوار بفضل الهی
هستم که مرا موفق فرماید با جمیع اعمال [illegible] بقصد مطلق تربت
در کربلای جای بیاورد حکم تمام دین و مذهب ما فاسد
ما فاسد الشان صلی الله علیهم و بیزار گشت و تبرا از
دشمنان ایشان در دنیا و آخرت ابدیست چنانچه
خداوند در قرآن فرموده فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن

بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انفصام لها و الله سمیع
علیم و در صحبت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن
شده‌است و از خداوند مسئلت مینمایم مرا هم بین [illegible] د
بلطف عمیم خود خدمت ایشان مشرف کرده‌اند و برای
تفصیل چیزی را که با عجز خودم از برای احباء خودم نقاعد
مسلماً از روایات وارده شده در میان سلف و
خلف و فرمایشات واضح بوده فهمیده‌ام هم الست [illegible]
و خداوند را بر آن گواه میگیرم و نزد او این عقیده و قصد
و فعل و عمل را میسپارم و مرا در پناه خود بان بگیرد و تا بید(?)
و حفظ فرماید که غیر از هیچ چیز نفهم و در وقت خاتمه
این گناه کار شاهد باشد و هو خیر الشاهدین که ایمان من
عقیده خاتم انبیا و سید رسل محمد بن عبد الله و موتی و
خلیفه بلافصل او حضرت امیر المؤمنان علی بن ابی طالب
که او شیعه مخصوص [illegible] لاشریک له و
حرام هست غیر او را امیر المؤمنین گفتن و بال معصومین

مربوطی ایشان تا عصر غیبت موجود بوده اند و صاحب
عصر بهمان ماها و قطب عوالم امکان خلیفه خداوند سبحان
صلی الله علیهم است که همه ایشان منصوب بنصب و بنص خود
خداوند همان اند که خلفه بوده اند بحضرت رسول صلی
الله علیه و آله و بنصب و بنص خود حضرت رسول صلی الله علیه و
آله که با سماهم را فرموده اند و بنصب و نص هر یک خودشان
بر دیگری از خودشان که هر یکی بعد خود نصب داده اند از دهم
بقیة الله که الآن حضرت موجود و غایب از انظار مردم هست
که در انتظار حکم خداوند است که ظاهر بشود عجل الله فرجه
و ما بیان تمام [illegible] ایشان صلی الله علیهم [illegible] باید
که نزد خودشان است او لو العلم [illegible] علم خودشان در
قرآن کریم جای عقیده ماها است [illegible]
ایشان است یکی [illegible] دشمنان ایشان و [illegible]
که خودشان [illegible] افعال و اعمال خودم از طاعات

وعبادات

و عبادات و جمیع [illegible] هر [illegible]
[illegible] خاطر [illegible]
[illegible] خودشان [illegible] صلی الله علیهم
المعصومین صلی الله علیهم و قرآن [illegible] ماها [illegible]
کفته صلی الله علیهم میکویم و خود [illegible] و جهان
[illegible] را که خودم [illegible]
کفتن آن از خودم [illegible] که نزد ایشان
میکویم [illegible] خاصه [illegible] که خود
صلی الله علیهم [illegible] کفته ماها حسب عقیده ماها
است که در کفتن آن از ایشان [illegible] ایشان صلی الله
علیهم [illegible] ایشان و [illegible] صلی الله
علیهم [illegible] میکویم تا خداوند کریم متعال
[illegible] ماها را با ایشان صلی الله علیهم برساند
و معامله را با ماها در کوتاهی از طاعات و کناهان

ماها

تا ظهور ایشان صلی الله علیهم اجمعین فرمایند و شفاعت
ایشان صلی الله علیهم رمنی تا فردا روز بلکه
با ایشان
ایشان الله صلی الله بر ایشان ربنا اکشف عنا العذاب
انا مؤمنون که مفهوم این آیه است تمام عمر تمام دنیا
مانند شب دیگر روز است که مدارش بر شبها و روزهاست
دو کواهی شمس است که تمام سال را بر دوازده برج است
مدارش در هر یک شب و روزی بر دوازده برج است
و انجلاء کو یا باشد از اول تا ظهور حضرت صاحب
عجل الله فرجه شب است و روز اول ظهور طلوع فجر
صبح صادق است تا بعد از اول بعثت روز اول روز است
کشنبه بر شبها و روزها است تا روز قیامت همان
یکروز است روز معنوی که مدارش بر شبها و روزهای
دولت
راحت و نعمت فقط و عدل و خوشی طاعت و عبا
و علم و معرفت بر ایشان و برادری در میان خلق

بالتمام از مشرق تا مغرب بر یک دین و ایمان باشند
علیکم یا اهل بیت النبوة و موضع الرسالة و مختلف
الملائکة و مهبط الوحی و معدن الرحمة و خزان
العلم و منتهی الحلم و اصول الکرم و قادة الامم
و اولیاء النعم جل مقامکم عن وصف الواصفین و
نعت الناعتین اتاکم الله ما لم یؤت احدا من العالمین
طأطأ کل شریف لشرفکم و بخع کل متکبر لطاعتکم و
خضع کل جبار لفضلکم و ذل کل شیء لکم و اشرقت
الارض بنورکم و فاز الفائزون بولایتکم بکم یسلک
الی الرضوان و علی من جحد ولایتکم غضب الرحمن
و انا العبد المذنب الملتجی بکم و المنقطع الیکم فی
و دنیای و آخرتی ابد الابدین و رحمة الله و برکاته
عند ما احاط به علم الله سبحانه رب العالمین
پس بدانکه کلیه حکمت در واقع حقیقت مسلم است آنکه

ختم نسبت دیج ... ... خالب اغلب مغلوب پس هر مظلوم

همی الملا... مظلوم شود بطان الله از ذو غالب نست شکر باعتبار

اگر کسی مظلوم مغلوب بگوید این گفته هم ظلمی از گوینده باد خوا

بوده هنگامی هر ... مغلوب است و باعتبار اگر کسی ظالم

غالب بگوید بقلندری این گفته سهم شرکتی در ظلم با او خواهد

داشت و حسب ... کمال لطف در ... برسد خوا

خداوند ... بر نشان مظلوم ... در ... خود

غالب ... البتا ... شدید غضب

والکار ... خدا نعوذ بالله ... ایت مغفرت

سار ... فرموده ... الله ... مقلب

ینقلبون و این احالی ... از مفاهیم این اسم

معرفت شاید بالتمام از معرفات مرضیه باشد

انشاء الله بصیر ترا خداوند عطا فرماید بکرم خود

خاتمتی اضافه توسل ... مصنف اللهم ...

تم

خدا صاحب پادشاهی خداوند است که فرمایش شده فرموده است تا بلکه

خلقت الخلق لکی اعرف بین ... را که از جانب او بنده صلی الله

الله ... غیبت ... بکشد ... بحسب ... که در این ختم

داریم ... از ... ببینیم دیگران ... السلام و ...

این اسم است ... ازینکه بنا مشتمل ... مجرده

بالفعل ... خبیثه ... بر ... شود ... پشت

و باطن ... جهان ... عجیب ... و جبلی و در حسب

و جزء ... هر ... و لعب ... هم چنین ...

... شده باشد بانطباع غضب ... لعین ...

لعین ... امثال ... و ... او علیهم

اللعنة والعذاب ... تمام شر ... اول گفته شوند هر که

دشمن یزید ... امثال و اتباع او باشد او هم خود ...

... دشمن خدا ... الذاکر ... از ...

... که خلق ... و قدم ...

خاتمه مصنف گوید بدرستی که یکی از علمای امامیه کتب بسیاری نموده

با این که بعد از علما خاصه حرفی بر اکه با این طور دیگر با اینکه شما ها

میگوید بعد از آنحضرت رسول مردم جمعا قائل شدند به دو مذهب

اجتهاد مسلم است رای هر مجتهد بعد از مردن خودش مجری نیست

که هر یک نسخ شریعت ما قبل کرده و مردم تابع نبی بعد شده هم

چنانکه هر مجتهدی اخیر تغییر رای ما قبل خودش میدهد نسخ

ابابکر از افعال نبی را ترک نموده مردم تابع او شدند بعد عمر

بسیاری از افعال ابابکر را ترک کرد مردم قبول کردند هم

چنان عثمان و کسی حرفی در حق هیچ یک نگفت پس با این صورت

واضح است که مردم تا روز قیامت تابع علی امیر المؤمنین ع نشوند

که خاتم خلفا است مثل اینها ما قبل او را ترک کنند چنانچه مردم

شرایع انبیای سلف را ترک کردند و تابع شریعت خاتم انبیا

شدند چنانچه در خلافت این سه نفر چنین کردند رای ما

کر شد و رایهای ما قبل را رها کردند و بعد از آنکه سه نفر را

کرقبول

و باطن تمام جماهر نعمت و طیبات طاهره و خوشبوی از هر ماکول

و ملبوس و معادن و جواهر و عطریات و هم چنین بسیاری

مطلوبات دیگر منطبع شده باشد بانطباع ذهنی و مکرهمی التعبیر

ابن علی بن ابیطالب امیر المؤمنین و جده و ابیه و امه و اخیه و وقد

و بنیه و اهل بیته و اصحابه و شیعته و محبیه علیهم الصلوة

والسلام و اهل تمام خیر بعد از آنکه اهل ایمان ملتفت شدند

اینکه اعدا باشند ترک نکنند و لعنت بر یزید پسر معویه

و امثال و اتباع او نمایند بعد از شکر و حمد خداوند دانا

و طلب برادران دینی صلوات بر حضرت امام حسین و جد

و پدر و مادر و برادر و اولاد و اهل بیت و اصحاب او خود را

مشغول سازند و لعنت بر ابن زیاد و اتباع آن نداشته باشند که

دشمن یزید بن معویه و دشمن امثال و اتباع او باشند و دوستان

دوستدار ائمه علی بعد النبی الرسول و آله باشند و مخاطبی ...

تمت بالخیر والسعادة فی شهر شوال المکرم ....

۱۳۲۲

قبول این طور کردند معلوم است حال اینکه بعد از آنکه زمان علی آمد

للمؤمنین آمد متمسک برای قول او نشوند که ابوبکر را بند عام ا

و اعمال حضرت رسالت پناه را و جار بگردید بر عمر [illegible] که علی را خود

شده است حق نداشته اند قبول نکنند و یا از اقوال ما قبل او را

جای بیاورند و بعد از خود در اولاد خودش قرار داد چنانچه

وصیت حضرت رسول که مسلم عام و خاص است ائمه بعد از خود

از آل عترت خود فرمود از این است که علما خاصه میگویند اهل بیت

خاتم انبیا و خاتم خلفا شد دائم شرایع انبیا سلف و رسالت

خلفا قبل در امروز بکار نیاید که هر یک که بر آنهای خلفا

قبل مانده است مثل آنها یکی بر شرایع سلف نه خواهد بود

و چون علما دیگر در منابر [illegible] طریقه مذکوره میگویند تنها

که در حق فاطمه مسلم طرفین که هر که او را اذیت کرده کافر است

و در اذیت کردن منحصر باغ فدک او را تکذیب نمودند

ابوبکر را و در نبوت شرع او را قبول نکردند و بر فرضی که از او هم

اگر نبوده است چرا تکفیری که در اذیت کردن و غضب او را داشته هستند

و بعض بجوی او و رضای او حرف او را قبول نکردند با اینکه نزد

طرفین صدیقه است و قول او و قول حضرت رسول است بالاتر از بیت

و کفر است [illegible] و الحاد جحد از تکذیب و دشمنی او با خدا و رسول

چه میشود و غضب ماندن فدک چه است از خداوند بر مردم

در غضب صدیقه بر غاصبین و باشد ظاهر شد از زمانه

تربیت نمی‌بستند و حاشا نتوانستند و حرف دیگر میگویند آن زمان

همه عالم بوده اند از بس که مردم خلافت با خواندن نبوت

کردند و خاتم شاد [illegible] حضرت سید شهدا امام حسین که خود

شهادت خودش را در سفر کربلا از انبیا خبر داده بودند و عیال و اطفال

با خودش بردند هر که حرم کرد با زن [illegible] شهادت عیال را برد

چرا اشاره میکنند خبر بوده اند و در این راه که با شهادت بعض

مسلم عوض شد در اینجا فائده [illegible] که اگر مجوس است عیال

را هم از [illegible] کرده اند خودش بر کرد [illegible]

اگر میخواستند برگردانند مانعی نبود حق اعتنا نداشت مگر اینکه حکمتی را که

در نظر خودش داشت که بعد معلوم گردید که جمعی از دخل

سبحانه بر تمام مردم با اینکه جمیع قبل از هجرت مردم بودند خلیفه

از برای حضرت رسول ص اختیار کردند و بعد با جمع بهادر

اختیار نمودند آنست بعد شما اهل الجنه خامس اصحاب کسا

بجای حضرت رسول بالقرابت حسین بن علی و انا من حسین را شهید

کردند با جمیع عیال و اطفال از شیر خواره تا جوان در کربلا با شدت تشنه

حاشا که نسبتها با این توصیف باز جا شما را عود سلف میخواستند

باشند دیدند نمیشود و آن این شد که باطل است بعد زیاده

اشکال کردند شیعه زیاد شدند دیگر اینکه هیچ نشد مجتهد

خودشان را اگر سب بکند خطا کرده از روی اجتهاد مرتبه عالی بوده

و اگر از طرف ما اهالی از روی اجتهاد مجتهد اما سب کسی از بزرگان

شان بکند میگویند لازم قتل و حلال است و میگویند مثلا یعنی

در طرف خودشان که هنوز که مجتهد بود مخطا کرد با این تفصیل

مذهب شما اهل با اختیار شما اهل است نه با اختیار خدا و رسول

هر چه خودتان میخواهید میکنید و میگوئید تا انشاء الله به جزای

خودتان برسید و باز حرف دیگر طایفه هم بیند طعن بر شما های است

اگر اجتهاد در فروعات میزان عمل شما اهل مثل اینکه در اصول خود

جایز کردید باشد چرا باب اختیار خودتان قطع کردید و غیر از خودتان

با اختیار خودتان از برای چهار نفر حصر کردید دین و مذهبی که

که از خدا و رسول برسید و با اختیار مردم باشد آن دین و مذهب

ابلیس است زیرا از خدا و رسول که بگذرد معلوم است واضح

اینکه از ابلیس خواهد بود کتاب بسیار بزرگ است در هر حجت از

خدا بر شما اهالی یکی عبث باغ فدک دیگر شهادت حضرت سید الشهدا

شهید امام حسین سید شباب اهل الجنه که اگر بگوید این نشد

نمیبردند بجهت مردم بود که از برای هدایت او را خواهش نمودند

نکردند و لکن خودشان هر چه مرد همیشه عیب و قرینه بعد حق را

چنان واقع را اشکار کردند که جنابت شمر و عمر شد دیگر

نمانده که تشنه و طالب حق باشد تمام جهت زیاده آنچه از خرابیها که

دیگر کردند مثل آتش کردن به در و عکس و سوزانیدند و تیرباران کردن قرآن

و مثل آن بسیار هم [illegible] منتهی الی آن [illegible] طالب حق [illegible]

خواهد که قرآن کتاب خدا و سید شباب اهل الجنة موجب اسم خدا

دیگر چه حرف خواهید [illegible] مثل [illegible] اینکه تمام عالم مشتمل بر طیب

و خبیث که [illegible] چنانچه مثل آن [illegible] شجره در قرآن زده

و باتفاق تمام عالم [illegible] محمد و علی و ائمه الطیبین الطاهرین

صلی الله علیهم اجمعین [illegible] و حکمت و عقل [illegible]

[illegible] عبادت و علم [illegible] تمام آن در نبوت

و خلافت و وصایت و امامت و رسالت و عصمت [illegible]

[illegible] گذشته از حکم [illegible]

طاهر [illegible] محمد و علی و

ائمه اهل بیت نبوت و عصمت و رسالت و خلافت و ولایت [illegible]

اوضح و اظهر [illegible] عالم ملکوت [illegible]

[illegible] الطیبین [illegible] شهر شوال ۱۳۲۲

الجبن

عجب الواقع

شهر شوال الى اهل بيت ... رسالت و خلافت و ولايت و امامت

۱۳۲۲ اوضح و اضحا نسته كه اعتبار عقل است از عالم ملكوت ...

